

## تأملی کارشناسانه بر بحث تغییر قانون کار

### مطلب رسیده

اجرای خواست‌های کلان سرمایه‌داری انگلی و عمدتاً توسط تکنوکرات‌های به قدرت رسیده، هوادار دولت رفسنجانی و عمدتاً جمع شده در حزب کارگزاران سازندگی، با جدیت دنبال شده و می‌شود. سیاست شناخته‌شده‌ای که از حمایت گسترده بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به‌مثابه کارگزاران کلان سرمایه‌داران جهانی برخوردار بوده و هست. با این حال، عدم حصول خواست "اصلاح" قانون کار به‌صورت عریان و

ادامه در صفحات ۷ و ۸ و ۹

### دولت «اعتدال»، وحدت جناح‌ها و سیاست رژیم ولایت فقیه

مذاکرات هسته‌ای میان رژیم و کشورهای ۵ به‌علاوه ۱، و تلاش هدفمند برای احیای مناسبات با امپریالیسم، هم‌زمان با تحول‌های پرشتاب و بسیار نگران‌کننده در عراق که به سراسر منطقه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مرتبط می‌گردد، روابط، مناسبات و آینده توازن قوا در حاکمیت را زیر تأثیر خود قرار داده است. با پایان نشست وین ۶، مهلت مذاکرات شش‌ماهه برای رسیدن به توافق جامع نیز پایان گرفت. تمدید مذاکرات برای چهار ماه دیگر، و ادامه تماس‌های دوجانبه رژیم و آمریکا، ماهیت و محتوای سیاست رژیم ولایت فقیه را در

ادامه در صفحات ۲ و ۳

### ماجراجویی های نظامی و ضد

### انسانی دولت اسرائیل و خطر آن

برای کل منطقه در ص ۱۳

### بیانیه مشترک حزب‌های کمونیست و

### کارگری جهان: کشتار جمعی به بهای

### زندگی ملت فلسطین باید بی‌درنگ

متوقف شود! در ص ۱۶

مقاله ای که در زیر می خوانید  
مقدمه جزوه کارشناسانه ای است با  
عنوان: «درآمدی بر حقوق کار در  
ایران و نقد قانون کار» که ما بزودی  
آن را به صورت جداگانه منتشر  
خواهیم کرد.

بحث "اصلاح" قانون کار و یا تغییر آن موضوعی جدید و مربوط به چند سال گذشته نیست. از همان سال‌های نخستین دهه‌ی هفتاد که هنوز چندان زمانی از تصویب قانون کار نگذشته بود، بحث تغییر و اصلاح قانون کار از سوی کارگزاران ذی‌نفوذ رژیم ولایت فقیه در

## قوه قضایه اهرمی برای سرکوب، در جهت حفظ رژیم ولایت فقیه

کشته شدن محمد بهشتی به وی این فرصت را نداد که ماحصل بنای قوه‌ای که هدف از پایه‌گذاری آن سرکوب اندیشه مردمی و امنیت برای جنایت‌کاران تازه به قدرت رسیده را شاهد باشد. اما همفکران و حاکمان در قدرت، در طول تمامی سال‌های پس از کشته شدن او، تداوم این روند پایه‌گذاری شده را به شکل‌های مختلف نهادینه کردند و آن را به جامعه ایران تحمیل کرده‌اند. رژیم ولایت فقیه در طول بیش از سه دهه و با توجه به شرایط سیاسی، تاکتیک‌های متفاوتی را در رابطه با سیاست‌های اجرایی این قوه سرکوبگر اجرا کرده است، اما نقطه مشترک تمامی این سیاست‌ها بر مبنای استوار بوده است که هیچ‌گونه حقی برای قربانیان درگیر با این قوه سرکوبگر را به رسمیت نشناخته است. امسال هفته قوه قضایه در حالی دوباره برگزار می‌شود که ابقای دوباره صادق لاریجانی از سوی ولی فقیه رژیم را نیز به دنبال داشت. ابقای لاریجانی در رأس قوه قضایه پیش‌بینی شدنی بود، و از این منظر، سیاست‌های ضد انسانی و ضد مردمی به‌وسیله این قوه در آینده قاعدتاً ادامه

ادامه در صفحه ۶



شماره ۹۵۲، ۶ مرداد ۱۳۹۳  
دوره هشتم، سال بیست و هشتم

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!



نیازد، اولویت سران حاکمیت با توجه به دگرگونی‌ها و فعل و انفعال‌های داخلی و منطقه‌ای است. برخی اقدام‌ها و برنامه‌های هدفمند در طول هفته‌های اخیر از جمله بررسی لایحه نحوه فعالیت احزاب در مجلس و تصویب بندهایی از این لایحه که با آزادی‌های بدیهی و حق آزادی اجتماع و آزادی بیان در تضاد قرار دارد، گرچه برای سه ماه مسکوت ماند، اما با هدف معین و به منظور به دست دادن اهرم‌های قانونی برای جلوگیری از هرنوع تحرک و فعالیت سیاسی در جامعه و نیز ترس رژیم از شعله‌ور شدن آتش ناراضی‌های گسترده است. اعمال فشارهای جدی در جامعه مانند تفکیک جنسیتی در شهرداری‌ها، افزایش گشت‌های امنیت اخلاقی و انصار حزب الله، جزو مجموعه برنامه‌هایی برای مهار و کنترل جامعه است و رژیم می‌کوشد افکار عمومی را از نتایج واقعی به قول روحانی «بازی بزرگی» که رژیم و امپریالیسم مشغول آنند، دور بدارد. دیدار چندی پیش روحانی با جناح ذوب در ولایت یا «اصول‌گرایان» از این زاویه قابل طرح و بررسی است. روحانی در آن دیدار بر مهم‌ترین مسئله‌ها و چالش‌های نظام انگشت گذارد، و ضمن توضیح موضع‌گیری‌های دولت، تمامی جناح‌ها خصوصاً «اصول‌گرایان» را برای مقابله با چالش‌ها و حل و فصل مشکلاتی که کشور و نظام را در معرض آسیب قرار می‌دهند، به وحدت فرا خواند و گفت: «دست‌به‌دست هم دهیم... اگر همه ما در مورد فهرست آسیب‌ها و مشکلات و دشمنان کشور و نیز راهکارها و نقشه راه مواجهه با این مسائل اتفاق نظر داشته باشیم، بسیاری از مشکلات که امروز پررنگ دیده می‌شود، کوچک جلوه خواهد کرد و تسامح با یکدیگر نیز آسان‌تر می‌شود... ما باید تلاش کنیم از انشقاق و شکاف‌های اجتماعی در حوزه‌هایی نظیر قومیت، مذهب و جناح‌های سیاسی بکاهیم». «روحانی در بخش دیگری از سخنانش یادآور شد: «دولت یازدهم از همه جناح‌ها و گروه‌های سیاسی تشکیل شده است و در یازده ماه گذشته ما هیچ‌گاه در مسیر حل مسائل اساسی کشور میان سلیقه‌های مختلفی که در دولت حضور دارند، شاهد اختلاف نبوده‌ایم.» خبرگزاری ایرنا، ۱۳ تیرماه، ضمن بازتاب سخنان روحانی، از قول حداد عادل- از نزدیکان ولی‌فقیه- که در حقیقت این نقل قول را به نوعی موضع‌گیری خامنه‌ای در قبال عملکرد دولت روحانی در این نشست باید به‌شمار آورد، گزارش داد: «حداد عادل ضمن اعلام حمایت از رویکرد اعتدال رییس جمهوری، ثبات در مدیریت کشور را محصول اعتدال حقیقی خواند و با تشکر از دولت به‌خاطر استفاده از همه ظرفیت‌ها و نیروها فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی، به‌کارگیری افراد پاک و وفادار به نظام را زمینه‌ساز وفاق و حل مشکلات دانست.»

بی‌جهت نبود که در ارزیابی نشست روحانی با جناح «اصول‌گرا»، امیر محبین- از نظریه‌پردازان این جناح و نزدیک به بیت رهبری- با تأکید یادآوری می‌کند: «در این گونه جلسات مباحثی فراتر از مباحث جناحی مطرح می‌شود و عموماً بر روی دغدغه‌های ملی [نامی برای چالش‌های نظام] تأکید می‌شود... وقتی دو جریان بزرگ اصلاح‌طلب و اصول‌گرا دیدگاه‌ها و نظرات خود را در

## ادامه دولت «اعتدال»، وحدت جناح‌ها و ...

مذاکرات هسته‌ای بهتر و دقیق‌تر آشکار می‌سازد. احیای مناسبات با امپریالیسم با هدف تضمین بقای رژیم ولایتی در حکم راهبرد (استراتژی) حاکمیت، اینک وارد مرحله‌ی تازه شده است، و طیف گسترده‌ای از مسئله‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و روابط منطقه‌ای را دربر می‌گیرد. مانور حساب‌شده ولی‌فقیه به هنگام مذاکرات وین ۶، همراه با تأکید بر روی صدونود هزار سو غنی‌سازی، اقدامی معین در راستای آماده‌سازی زمینه‌های مناسب داخلی (هم در جامعه و هم بین نیروهای حکومتی) برای اعلام توافق نهایی در آینده و ارتباط با غرب بود. در واقع، تمدید مذاکرات نشانگر آن واقعیتی است که محمدجواد ظریف آن را چنین بیان می‌کند: «اینک به اراده سیاسی برای اعلام توافق کامل نیاز است.» به این مفهوم، مناسبات رژیم با غرب به مرحله‌ی با کیفیت و سمت‌وسویی نو وارد شده است، و در ماه‌های آینده زاویه‌های مختلف آن از سایه به روشنایی کشیده خواهد شد. به‌هرروی، دولت «تدبیر و امید» در چارچوب راهبرد کلی نظام، برنامه‌های خود در دو عرصه را کماکان پیگیری می‌کند. راهکارها و سیاست‌های اقتصادی- اجتماعی ارائه‌شده از سوی دولت با شتاب بیشتری نسبت به گذشته به سمت پیوند محکم‌تر با سرمایه‌داری جهانی سیر می‌کند، و پس از اجرای فاز دوم آزادسازی اقتصادی زیر عنوان هدفمندی یارانه‌ها و نیز برائت مذاکرات هسته‌ای و میزان توافق و تفاهم با غرب، شرکت‌ها و انحصارهای فراملی حضور خود در بازار ایران را علنی‌تر می‌کنند. مجموعه‌ی از لایحه‌ها و دستورالعمل‌ها به‌منظور تصریح در امر بازگشت و فعالیت شرکت‌های آمریکایی، ژاپنی و اتحادیه اروپایی تدوین گردیده و به‌مورد اجرا گذاشته شده‌اند. اصلاح قوانین و مقررات گمرکی، لایحه به‌اصطلاح حمایت از تولید و بهبود فضای کسب‌وکار، مقررات‌زدایی به‌ویژه در زمینه تجارت خارجی، اختصاص مبلغ‌هایی هنگفت از درآمدهای حاصل از حذف یارانه‌ها به بانک‌ها- به‌ویژه بانک‌های خصوصی- و نیز اصلاح مقررات برای حضور شرکت‌های بیمه خصوصی خارجی در بازار ایران، از جمله اقدام‌های اخیر دولت روحانی به‌شمار می‌آیند. در عرصه سیاست خارجی نیز مذاکره فعال با آمریکا و همسویی با سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای آن با شدت ادامه دارد. حاصل این رایزنی‌ها و توافقاتی پیدا و پنهان را در آینده‌ی نه‌چندان دور در عرصه‌های مختلف سیاست داخلی و خارجی شاهد خواهیم بود.

دولت روحانی هنگام اجرای این برنامه‌ها به‌ناگزیر با چالش‌هایی از سوی دیگر جناح‌ها روبه‌رو می‌شود. ما بارها تأکید کرده‌ایم که نزاع و اصطکاک منافع جناح‌ها بر سر مسئله‌های مبرم و جدی‌ای از قبیل مذاکره هسته‌ای و آینده روابط با غرب مبنای اختلاف میان جناح‌ها- آن‌گونه که برخی تبلیغات گمراه‌کننده نشان می‌دهند- نیست. اختلاف و درگیری بر سر سهم جناح‌ها از تحول‌ها و سیاست‌هاست. تمامی جناح‌ها در چارچوب سیاست حفظ نظام مخالفت اصولی و جدی‌ای با احیای مناسبات با امپریالیسم ندارند. از این‌رو، تلاش دولت روحانی برای به‌وجود آوردن نوعی تعادل دلخواه میان جناح‌ها در راستای سیاست حفظ نظام، با صلاح‌دید ولی‌فقیه، در دستور کار قرار دارد. به‌ویژه آنکه در آستانه انتخابات مجلس آینده، ترکیب و کیفیت مجلس و نیز برگزاری انتخاباتی «آرام و مطمئن» که تحرکی به‌زیان رژیم در فضای سیاسی به‌وجود

## ادامه دولت «اعتدال»، وحدت جناح‌ها و ...

ارتباط با مسائل مختلف انتقال دهند، این زمینه فراهم می‌شود که رییس‌جمهور و دولت از ظرفیت بزرگ مشورتی نیروهای باتجربه اصول‌گرا و اصلاح طلب برخوردار شوند... رییس‌جمهور می‌تواند با برگزاری این‌گونه جلسات باعث نزدیکی دو جریان... حداقل در مباحث اجرایی شوند.» (ایسنا، ۱۴ تیرماه ۹۳). به‌علاوه، روحانی دیدارهایی نیز با طیف اصلاح‌طلبان داشت. خبرگزاری ایسنا، ۲۵ تیرماه، در این باره از جمله در گزارشی نوشت: «عضو بنیاد باران با بیان اینکه وحدت ملی یکی از اصلی‌ترین پیش‌نیازهای توسعه کشور و اجرای برنامه‌های ۵ ساله و سیاست‌های کلی مجمع تشخیص نظام است، افزود این دیدارها موجب ایجاد وحدت ملی می‌شود.» هم‌زمان، علی یونسی، وزیر پیشین اطلاعات و دستیار ویژه روحانی در امور اقوام و اقلیت‌های دینی، خاطرنشان کرد: «امروز در فضای سیاسی کشور این اتفاق افتاده که اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان نسبت به گذشته تغییرات زیادی داشته‌اند و مدام در حال تغییر و اصلاح هستند.»

سیاست وحدت جناح‌ها برای حفظ نظام، راهبردی است که با مهندسی انتخابات و تشکیل دولت «اعتدال» در صحنه سیاسی کشور به اجرا گذاشته شده است. ممانعت از بازسازی بدنه اجتماعی جنبش مردمی، مهار و کنترل جنبش‌های کارگری، زنان و دانشجویی، حفظ ثبات سیاسی مورد نظر رژیم در اوضاع کنونی و اهمیت آن به‌ویژه برای احیای مناسبات با غرب، از زمره اجزای به‌هم پیوسته این سیاست‌اند. شاه‌بیت این راهبرد، اصل حفظ نظام و حل و فصل مسائل با امپریالیسم است.

حل معضله‌ها و چالش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی‌ای که میهن و مردم ما با آن روبه‌رویند، در گرو حرکت آگاهانه برای تحقق خواست‌های مردمی در عرصه‌های مختلف است، یعنی خواست‌های مردمی‌ای که رژیم ولایت‌فقیه و دولت روحانی تاکنون درصدد حل و تحقق آن‌ها نبوده‌اند. کارنامه «دولت تدبیر و امید» و سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن در طول نزدیک به یک سال فعالیت آن، پیش‌روی ماست. در هیچ‌یک از این برنامه‌ها و سیاست‌ها حقوق اساسی مردم و خواست‌های میرمی همچون آزادی‌های دموکراتیک فردی و اجتماعی، عدالت اجتماعی و بهبود زندگی و معیشت مردم - به‌ویژه توده‌های محروم جامعه - و نیز دفاع از حق حاکمیت ملی و منافع ملی کشور پیشرفتی حاصل نگشته است. مذاکرات هسته‌ای و تلاش برای رفع و پایان تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیستی - که مورد پشتیبانی همه مردم و نیروهای مترقی کشور است - در پیوند با زدوبندهای سیاسی - تجاری رژیم و امپریالیسم قرار گرفته است و از مضمون و محتوای توافق‌ها خبررسانی‌ای دقیق نمی‌شود. حفظ «نظام» به‌جای حفظ منافع ملی، مبنای مذاکرات قرار داشته است و در خصوص نوع رابطه رژیم با غرب و سرنوشت استقلال ملی میهن ما، نگرانی‌هایی جدی وجود دارد. سیاست دولت برای وحدت جناح‌ها و مقابله با چالش‌های موجود، بخشی از راهبرد رژیم در اوضاع کنونی است. برای نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور، اولویت، حقوق و سرنوشت توده‌های مردم و منافع و امنیت ملی است!

## ادامه قوه قضائیه اهرمی برای ...

آلودی دامن زده شد که برآمد آن «بهبود» اوضاع امنیتی و تخفیف فشارها به فعالان سیاسی و گروه‌های مدنی بود. مقام‌های مستأصل رژیم در سرآغاز کار دولت روحانی - همراه با اجرای مانورهای هدایت‌شده و کم‌خطر - با آزادی شمار اندکی از زندانیان مشهور که اکثراً هم حکم زندانشان به اتمام رسیده بود سعی داشتند این فضای توهم آلود را گسترش بیشتری دهند. باینکه هنوز مدت کار اجرایی دولت روحانی به یک سال هم نرسیده است، اما روند عملکردهای این فضای توهم آلود به شدت کم‌رنگ شده و دیدگاه‌های واقع‌بینانه جایگزین آن گردیده است. از هنگام روی کار آمدن دولت روحانی فشار به فعالان سیاسی در عرصه‌های کارگری، دانشجویی، زنان، مطبوعات و جز این‌ها، روند نگران‌کننده‌ای پیدا کرده است. افزایش تعداد اعدام‌های سیاسی - که آخرین آن‌ها اعدام دو نفر از هم‌وطنان عرب‌زبان ماست - نشان داد که تداوم سرکوبگری در هماهنگی کامل با دیگر ارگان‌های امنیتی و در جهت هدف‌ها و نیات ولی فقیه برای حفظ رژیم ولایت‌فقیه از جمله وظایف قطعی قوه قضائیه بوده است. دستگیری روزنامه‌نگاران، تعطیلی روزنامه‌ها - که با کوچک‌ترین لغزش (از نظر رژیم) از ادامه انتشار بازمی‌مانند - همچنان ادامه دارد. اعدام وحشیانه در خیابان‌ها و در انظار عمومی و به بهانه مبارزه با مواد مخدر و یا دیگر ناهنجاری‌های اجتماعی، چهره این ارگان سرکوب، یعنی قوه قضائیه، را بیش از پیش نزد افکار عمومی به نمایش و داوری گذاشته است. دولت روحانی و همفکران او، در طول نزدیک به یک سال گذشته، به‌رغم تمامی شعارها و وعده‌های توخالی، هیچ‌گونه اقدام عملی‌ای برای تخفیف این فشارها به عمل نیاورده است و در خوش‌بینانه‌ترین حالت این حقیقت را که در چارچوب ساختار متکی بر ولی فقیه حتی اگر تمایلی هم برای مبارزه با این بی‌عدالتی‌ها وجود داشته باشد، بدون تکیه بر جنبش‌های مردمی امری محال و امکان‌ناپذیر خواهد بود، را به اثبات می‌رساند. بررسی روزنامه‌ها و رسانه‌هایی که به حمایت از دولت روحانی معروفند نکته‌های تأمل برانگیزی را به دست می‌دهد. روزنامه ایران، ۷ تیرماه، با چاپ عکسی از روحانی و فرزند بهشتی و مقاله‌ای از باهنر، به تمجید از بهشتی پرداخته است. روزنامه مردم‌سالاری در گفت‌وگو با فرزند بهشتی همین روند هماهنگ را در پیش گرفته است. روزنامه آرمان، ۷ تیرماه، در مقاله‌ای به قلم محمدعلی ابطحی، به شیوه تفکر و عملکرد بهشتی پرداخته است. روزنامه شرق با چاپ عکسی از روحانی در کنار فرزند بهشتی و مقاله‌ای از فرشاد مؤمنی، به خصایل بهشتی توجه داده است. روزنامه اعتماد مصاحبه‌ای با کرباسچی و فرزند بهشتی انجام داده است که از گرایش‌های دموکراتیک قوی‌ای نزد بهشتی خبر می‌دهد. ارائه چهره‌ای بزرگ کرده از شخصیت زیرک و مکاری که نقشی مخرب در متوقف کردن فرآیندهای دموکراتیک جامعه ایفا کرد نشان می‌دهد که دلستگی طیف هوادار دولت روحانی زیرپوشش‌ها و عنوان‌های مردم‌فریب، مشروعیت بخشیدن به چهره‌ای به‌ظاهر متفاوت نزد افکار عمومی منظور نظر دارد. اما سیاست‌های نخ‌نما این طیف فکری نزدیک به رفسنجانی نشان‌دهنده این واقعیت است که انتقاد آنان از ارگان‌های حکومتی - و اینجا در بحث ما در ارتباط با قوه قضائیه - به‌تأمین منافع جناحی منحصر می‌شود، در حال که در اصل سرکوبگر بودن این نهاد بحث و مناقشه‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد. روند رویدادها در آینده، میزان راست‌گویی این مدعیان آزادی‌خواهی را بیشتر روشن خواهد کرد. جنبش مردمی در مقطع‌های مختلف نشان داده است که با تکیه به نیروهای اجتماعی و افکار عمومی، می‌تواند دیکتاتوری حاکم را به چالش کشیده و وادار به عقب‌نشینی کند. لازمه این مهم، همبستگی تمامی نیروهای مترقی و توهم‌زدایی نسبت به نقش اصلی دولت روحانی و درک این واقعیت است که در چارچوب رژیم ولایت‌فقیه تغییرهای بنیادی و با ثبات، در مسیر تحقق منافع و مصالح مردم، امکان‌ناپذیر نیست.



کتاب و نوشت افزار، هنوز به قوت خود باقی اند، و در تقابل با آنچه شایسته دانشگاه و دانشجویان است قرار دارند. باینکه دولت، به ویژه وزارت علوم، با اقدام هایی در خصوص بازگرداندن گروهی از دانشجویان ستاره دار به سر کلاس ها، کوشیده است در قیاس با گذشته موضع گیری ای متفاوت از سوی حاکمیت در برابر جنبش دانشجویی به نمایش بگذارد، اما به اعتراف سران رژیم و مسئولان دانشگاه ها، بازگرداندن گروهی از دانشجویان ستاره دار، کاملاً گزینشی و بر اساس معیارهای ارائه شده از سوی ارگان های امنیتی صورت گرفته است. به عبارت دقیق تر، پرونده دانشجویان ستاره دار بسته نشده است و اقدام دولت در این مورد، دربرگیرنده همه دانشجویان ستاره دار نیست.

جنبش دانشجویی، بنا بر ماهیت خود، بخشی از جنبش مردمی کشور ما برای نیل به عدالت اجتماعی، آزادی و تضمین حق حاکمیت ملی به شمار می آید. این جنبش می تواند با تقویت موقعیتش، نقش بسزایی در مبارزه با دیکتاتوری داشته باشد. در مرحله کنونی، نخستین وظیفه فعالان دانشجویی بهره گیری ظریف و هوشیارانه از تمامی امکان ها با هدف احیای بنیه و بدنه جنبش دانشجویی و تقویت صف های آن است. ارائه راهکارهای مؤثر، به ویژه در مسئله خواست های صنفی، و هوشیاری در برابر درپیش گرفتن سیاست کنترل و مهار جنبش دانشجویی از سوی حاکمیت، سبب خواهد شد توده دانشجو در سراسر کشور تمایل و اراده بیشتری برای ورود به صف مبارزه از خود نشان دهند. تلفیق این خواست های به حق سیاسی با خواست های صنفی، وظیفه عاجل دیگری است که نباید بر آن چشم فروبست. در افق سیاسی میهن ما، لزوم تحول های پرشتابی پدیدار شده است و جنبش دانشجویی از این زمینه و توان به خوبی برخوردار است که با آمادگی کامل و در مقام گردانی تأثیرگذار در جنبش مردمی در جهت تحقق خواست های مردم، در رویارویی با استبداد ولای نقش و وظیفه تاریخی اش را برعهده گیرد!

### بحران آب و ضرورت تدوین یک برنامه ملی

کمبود آب در سراسر کشور به یکی از چالش های مهم کنونی برای مردم بدل شده است. خشک سالی های پیاپی در یک دهه اخیر، در کنار گرمایش زمین، به بحران جدی آب در میهن ما منجر شده است. به این عامل ها باید سیاست های ناخردانه و گاه خائنه رژیم ولایت فقیه را نیز افزود. هیچ گونه برنامه ملی ای مبتنی بر دانش روز برای حل معضل آب در ایران، در طول سه دهه اخیر، تدوین نشده است. نهادهای انگلی ای مانند بنیاد مستضعفان، آستان قدس رضوی و سپاه پاسداران، تنها برای سودجویی دست به احداث سدهای متعدد در چهار گوشه کشور زدند که همگی بدون مطالعه و کار کارشناسی علمی بود و حاصل احداث آن ها فاجعه ای است که دریاچه ها، تالاب ها و برخی رودهای مهم و حیاتی کشور مانند رود کارون و زاینده رود با آن مواجه اند. اینک مشکل آب به بحران فرارویدده است و سرنوشت مردم و امنیت ملی را با چالش هایی بسیار نگران کننده روبه رو ساخته است. ارتجاع در برابر این نگرانی های فزاینده مردم در خصوص بحران آب، به روش واردات آب در برابر فروش گاز به بهایی ارزان توسل جسته است. روزنامه اعتماد در اوایل تیرماه در گزارشی با عنوان: «بحران بی صدا»، از جمله نوشت: «در چند روز گذشته ۶۰ نفر از نمایندگان مجلس طرح تأمین آب کشاورزی و شرب فلات مرکزی شرق و جنوب شرق ایران را تهیه کرده اند که در هیئت رئیسه مجلس اعلام وصول شده است... به این ترتیب به دولت اجازه داده می شود در جهت تأمین آب... با استفاده از توان و مزیت های بخش غیردولتی [بخوان بخش خصوصی سازی] با توجه به ماده ۱۴۲ قانون برنامه پنجم نسبت به انتقال آب از سایر کشورها [یعنی وارد کردن آب از خارج] به داخل اقدام نماید. برای تأمین اعتبار اولیه این طرح به دولت اجازه داده می شود از مجوزهای جابه جایی در فصل منابع آب مجوز فاینانس خارجی مجوز تأمین و طرح های غیردولتی توسط دولت استفاده کند. به این ترتیب دولت با حمایت مجلس می تواند به خرید آب [با فروش گاز ارزان] از کشورهای همسایه اقدام کند.»

این طرح ضد ملی، که تنها انگیزه تدوین کنندگان آن تأمین منافع شرکت های خصوصی داخلی و خارجی است، پیش تر در زمان دولت مردمستیز احمدی نژاد هم ارائه شده بود. برخی آفازاده ها و مرتبطان با بیت رهبری و شرکت های خصوصی انگلی در پشت این طرح قرار دارند.

در حالی که با بهره گیری از دانش روز، فن آوری مدرن، و همکاری به طور متقابل سودمند با دیگر کشورها، و با استفاده از توان و امکان های داخلی، می توان مسئله آب را



### جنبش دانشجویی، سیاست های رژیم و دورنمای مبارزه

سخنان علی خامنه ای در خصوص وضعیت دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، و تأکید بر برقراری «فضای آرامش» در مراکزهای دانشگاهی، که چندی پیش بیان شد، بار دیگر هراس و نگرانی رژیم ولایت فقیه را از میزان تأثیرگذاری جنبش دانشجویی و امکان های آن، نشان داد. جنبش دانشجویی میهن ما، پس از سرکوب های خونین و خشن سال های ۸۸ (کودتای انتخاباتی)، مرحله ای از بازیابی و تجدید قوا را با تنی رنجور و زخمی از سر می گذراند. دولت روحانی در چارچوب راهبرد حاکمیت - یعنی مهندسی خواست های اجتماعی و کنترل و مهار جنبش های کارگری، زنان و جوانان - از همان نخستین روز آغاز به کار کوشیده است جنبش دانشجویی و فعالان آن را در حالتی از انفعال و انتظار محبوس کند و با پیش کشیدن برخی برنامه ها، ضمن به چالش کشیدن آماج های جنبش دانشجویی، سعی دارد تا حد امکان بر جنبش دانشجویی کنترل معینی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم اعمال کند. تاکنون هیچ یک از خواست های جنبش دانشجویی مورد توجه جدی قرار نگرفته اند و برآورده نشده اند. روند تغییرها در دانشگاه های کشور، تعیین روسای جدید برای مراکزهای آموزش عالی، همراه با اقدام هایی از این دست، بیشتر به لحاظ کنترل و مهار - یا دقیق تر گفته باشیم - مهندسی این خواست ها صورت گرفته است تا حرکتی جدی و باادوم در جهت و به سود خواست ها و هدف های مرحله ای جنبش دانشجویی! نگاهی به اوضاع دانشگاه ها و سیاست های فرهنگی - اجتماعی رژیم در این عرصه، گواه آن است. گشایش مورد نظر برخی طیف های جنبش دانشجویی که به دولت روحانی به چشم یک امیدی برای تغییر می نگرستند و می نگرند، صورت نگرفته است، و اصولاً سیاست همراهی با «اعتدال»، به سود به وجود آوردن امکان ها و تقویت بدنه جنبش دانشجویی به هیچ روی نبوده است.

طرح تفکیک جنسیتی و گسترش سایه سنگین بسیج دانشجویی و حراست در مراکزهای آموزش عالی (مستقیم و غیرمستقیم - پیدا و پنهان)، مداخله موسسه ها و دوایر مذهبی در امور دانشگاهی و تدریس، تألیف مواد و برنامه های آموزشی، مسئله دانشجویان ستاره دار و نمونه های بی شماری از معضل های صنفی، از امکان ها در زمینه خوابگاه و غذاخوری گرفته تا مثل تهیه



## ادامه رویدادهای ایران ...

حل کرد، واردات آب به چه معناست؟ چه انگیزه‌هایی در پس آن نهفته است؟ طرح وارد کردن آب از خارج، در یک کلام، طرحی ضد ملی است که اجرای آن فقط از رژیم پوسیده و ضد ملی مانند رژیم ولایت فقیه برمی آید! ضروری است که با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و بهره‌گیری از فن آوری نوین، در چارچوب طرحی ملی، بحران آب را به سود منافع و امنیت ملی و سرنوشت میهن مان ایران به‌طور پایدار و مطمئن حل کرد!

### تفاهم‌نامه همکاری بسیج و نیروی انتظامی: تقویت نقش بسیج همکاری گزمگان استبداد ولایی و اوباش، برای گستردن جو هراس در جامعه

در اواسط تیرماه امسال و هم‌زمان با اجرای طرح عفاف و حجاب، رییس پلیس آگاهی و نیروی انتظامی از امضای تفاهم‌نامه‌یی برای همکاری میان پلیس و بسیج در سطح شهرهای کشور خبر داد. خبرگزاری مهر در گزارشی یادآور شد: «این توافق‌نامه به امضاء و تأیید فرماندهان هر دو سازمان (نیروی انتظامی و بسیج) ... رسید و به همین منظور مقرر شد تا دو کارگروه فرهنگی، اجتماعی و اطلاعاتی - عملیاتی تشکیل شود... پی‌جویی کشف سرقت، کنترل مجرمان سابقه‌دار و تجزیه و تحلیل و پایش این جرم از اقدامات سازمان بسیج است... بسیج نقش اطلاعاتی مهمی از ابتدای انقلاب تاکنون داشته. در ادامه این گزارش آمده است: «رییس پلیس آگاهی با اشاره به نقش سازمان بسیج در مبارزه با ناامنی‌های اجتماعی یادآور شد، نیروهای بسیج همچنین به دلیل حضور در جغرافیای وسیعی از کشور می‌توانند در ایجاد امنیت محلات، معرفی افراد مظنون... کمک شایانی به پلیس کنند. «همچنین پاسدار احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی، پس از امضای تفاهم‌نامه، با صراحت اعلام داشت که، گشت‌های انصار حزب‌الله برای مقابله با بدحجابی و بی‌حجابی فعال خواهند شد، بسیج و پلیس در طرح سالم‌سازی دریا همکاری می‌کنند. او مهم‌ترین محور تفاهم‌نامه همکاری بسیج و نیروی انتظامی را «همکاری بیشتر اطلاعاتی و فرهنگی بسیج با نیروی انتظامی عنوان کرد. پاسدار احمدی مقدم گفت: «بسیج در حوزه پیشگیری و هشدار در مورد آسیب‌ها با پلیس همکاری می‌کند و معاونت فرهنگی بسیج راه‌اندازی شده است» [روزنامه اعتماد، ۱۷ تیرماه ۹۳].

تقویت و گسترش نقش بسیج، با هدف و برنامه‌یی معین از سوی رژیم دنیال می‌شود. رژیم از پیامدهای سیاست‌هایش در عرصه‌های مختلف زندگی مردم آگاه است و از هم‌اکنون برای مهار و کنترل بروز ناراضی‌های مردمی و ممانعت از شکل‌گیری اعتراض‌ها، به سازمان‌دهی دیگر باره نیروهای سرکوبگر خود مشغول شده است. به‌وجود آوردن جو رعب و وحشت در سطح جامعه و تحمیل برنامه‌های قرون وسطایی و ارتجاعی‌ای نظیر «طرح عفاف و حجاب» و «سالم‌سازی دریا» و نظایر آن به مردم، به‌ویژه زنان و جوانان، از آماج‌های اصلی طرح همکاری نیروی انتظامی و بسیج و امضای تفاهم‌نامه میان این دو نهاد سرکوبگر است. از دیگر سو، رژیم ولایت فقیه با این اقدام و واداشتن بخشی از نیروهای خود به سرکوب جامعه، برنامه احیای مناسبات با امپریالیسم را در فضای اجتماعی‌ای معین و «دلخواه خود پیگیری و عملی می‌سازد. تشدید فضای اختناق و تقویت نقش بسیج با دیگر برنامه‌ها و سیاست‌های حکومت در عرصه‌های داخلی و خارجی، سیاست خارجی و برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی بی‌ارتباط نیست و نمی‌تواند باشد. بی‌جهت نبود که یکی از اوباش شناخته‌شده حکومت، پاسدار نقدی، رییس بسیج، اعلام کرده است: «امروز ظرفیت بسیج قوی‌تر از گذشته برای اهداف عرضه شده است و هنر دولت‌ها استفاده از ظرفیت عظیم بسیج است... ۴۰ هزار پایگاه بسیج در محلات [شهرهای مختلف] فعالیت دارند» [خبرگزاری فارس، ۱۷ تیرماه ۹۳]. مستولی کردن فضای ترس و وحشت و تحمیل برنامه‌های ضد مردمی و پوسیده به جامعه، همواره از حربه‌های اصلی رژیم برای کنترل مردم و سیطره بر جامعه بوده است. امضای تفاهم‌نامه همکاری

رسمی و قانونی میان نیروی انتظامی و بسیج دقیقاً در این چارچوب قرار دارد. تقویت و گسترش نقش اوباش بسیج به‌منظور کنترل جامعه، جز حاکم کردن ترس و به‌وجود آوردن فضای اختناق به‌هدف سرکوب، معنایی ندارد.

### اولویت‌های دولت در عرصه اقتصاد: خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی!

معاون اول رییس‌جمهور، در اواسط خردادماه امسال، در جریان مراسم افتتاح هشتمین نمایشگاه بورس (بهبازار)، بیمه و بانک، ضمن تشکر از حمایت اعضای اتاق بازرگانی، خطاب به آنان اعلام داشت که، راهکارهای دولت در امور اقتصادی برای سال جاری شتاب بخشیدن به برنامه خصوصی‌سازی و اجرای طرح مقررات‌زدایی در پیوند با آزادسازی اقتصادی است. او یادآوری کرد که، طرح‌های بزرگ و صنایع کلیدی و سود ده، مطابق برنامه‌ریزی به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. به فاصله اندک زمانی پس از این موضع‌گیری اسحاق جهانگیری، نشست رسمی هیئت واگذاری سهام شرکت‌ها و کارخانه‌ها و مؤسسه‌های مالی دولتی با حضور وزیر اقتصاد برگزار شد، و در نخستین مصوبه‌اش، ۷ شرکت بزرگ در لیست خصوصی‌سازی فوری قرار گرفتند. خبرگزاری مهر، ۲۳ خردادماه، نوشت: «جلسه هیئت واگذاری که با حضور اعضا در وزارت امور اقتصادی و دارایی تشکیل شد، قیمت پایه و شرایط واگذاری ۱۰۰ درصد سهام شرکت پرورش کرم ابریشم ایران... سهام شرکت عمران و مسکن‌سازان... شرکت کشت و صنعت هفت‌تپه و ۵۱ درصد سهام شرکت آلومینای ایران... از طریق فرابورس به‌صورت نقد و اقساط (را) به تصویب رساند. در این نشست در مجموع ۷ شرکت بزرگ در لیست خصوصی‌سازی قرار گرفت.

همچنین روزنامه دنیای اقتصاد، در گزارشی از فعال شدن بانک خصوصی نفت، خاطر نشان ساخت که با ابتکار بنیادهای انگلیسی - به‌ویژه آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفان و بنیاد شهید - بانک خصوصی نفت که در سال ۱۳۸۹ تأسیس شده است، قرار است بر دامنه فعالیت‌های خود افزوده و نقشی جدی در برنامه‌های اقتصاد مقاومتی ولی فقیه و مقررات‌زدایی بر عهده گیرد. برنامه خصوصی‌سازی به‌وسیله دولت حسن روحانی در حالی با سرعت ادامه دارد که سازمان خصوصی‌سازی جمهوری اسلامی ضمن همکاری با اتاق بازرگانی و بانک مرکزی، چندی پیش لیست اسامی ۱۰۲ شرکت برای واگذاری سهام آن‌ها به بخش خصوصی را انتشار داده بود. مطابق برآوردهای رسمی، در صورت عملی شدن این برنامه، بزرگ‌ترین خصوصی‌سازی ایران در سال کنونی انجام خواهد شد. ارزش این شرکت‌ها بیش از ۸۰ هزار میلیارد تومان محاسبه گردیده است. نام برخی از مهم‌ترین شرکت‌های کشور در این فهرست به چشم می‌خورد. شرکت‌هایی مانند: شرکت ملی حفاری ایران، کشت و صنعت و دام‌پروری ایران، شرکت سنگ آهن مرکزی ایران، شرکت تولیدی برق آذربایجان، شرکت تولیدی برق فارس، پالایش نفت کرمانشاه، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، پالایشگاه نفت بندرعباس، شرکت پتروشیمی دماوند، شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، شرکت کشاورزی و دام‌پروری لاوان، ماشین‌سازی تبریز، زغال‌سنگ البرز مرکزی، شرکت نوردولوله اهواز، شرکت قطارهای مسافری رجا، نیروگاه برق لوشان و شرکت مس شهربابک از جمله شرکت‌هایی‌اند که در لیست خصوصی‌سازی «بزرگ» قرار گرفته‌اند و سرمایه‌داران داخلی و خارجی برای تصاحب آن‌ها به فعالیت‌هایی پر تب و تاب هست مشغولند.

این برنامه، بخشی از طرح به‌اصطلاح جلب و جذب سرمایه خارجی است که در اولویت دولت [یازدهم] و به‌طور کلی رژیم ولایت فقیه قرار دارد. برنامه خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی به‌هیچ‌روی سبب رشد و شکوفایی اقتصادی و رونق تولید ملی نخواهد شد. این برنامه‌ها، تضعیف بیش از پیش بنیه تولیدی - صنعتی کشور را در پی دارند، و به‌علاوه، بازار داخلی را در خدمت و اختیار انحصارهای امپریالیستی قرار می‌دهند.



در سخنانی که روزنامه شرق، ۲۰ تیرماه ۹۲، انتشار داد در اشاره به همین موضوع گفت: "اخیراً امام جمعه محترم مشهد مطالبی را در هفته قوه قضاییه بیان

داشته‌اند که البته بنا ندارم به شخص پردازم اما محتوای آنچه ایشان گفتند توقعات خاصی از دستگاه قضایی است که چه‌بسا از عهده قوه قضاییه خارج است. موضوع گلایه آمیزی که مطرح شده مسئله مفاسد اقتصادی است. ایشان با نوعی تعبیر توییخ آمیز گفته‌اند که این مسئله برای جامعه قابل قبول نیست و در دو سال اخیر در مبارزه با مفاسد اقتصادی فقط ما خبر بعد از خبر می‌شنویم. بعد گفته‌اند که اگر فساد اقتصادی نبود چرا بزرگش کردید؟ اگر فساد اقتصادی بود تأمل چرا؟ و چرا از این دست به آن دست، از این دادگاه به آن دادگاه، از این دادسرا به آن دادسرا، از این بازخواست به آن بازخواست؟ بنده در پاسخ عرض می‌کنم آیا واقعاً این‌طور بوده و ما پرونده را از دادسرای به دادسرای، از دادگاهی به دادگاهی دیگر فرستادیم؟ آخر چرا حرف‌های خلاف می‌زنید. وی در جایی دیگر از صحبت‌هایش گفت: "در بدو ورود به بحث مفاسد اقتصادی و مشکل اخیر می‌گفتند قوه قضاییه توان برخورد ندارد اما ما برخورد کردیم. در این پرونده عده زیادی متهم هستند هنوز کارشان تمام و پرونده‌شان رسیدگی نشده عده‌ای حکم قطعی گرفتند و در مسیر اجراست اما صحبت ما این است که درست نیست کسانی که باید دلسوزی برای کل نظام کنند قوه قضاییه را زیر سؤال ببرند خب ما هم بخشی از این نظام هستیم و به وظایفمان عمل می‌کنیم. چرا افراد خدوم این کشور را دلسرد می‌کنید؟" یک سال پس از این سخنان ادعایی، مه‌آفرید خسروی در اقدامی ناگهانی اعدام شد. سناریویی مشابه با اینکه افراد درجه دوم، یا به عبارتی غیر خودی، را از صحنه حذف می‌کنند و متهمان عمده دیگر را آزاد می‌گذارند تا در فضایی دیگر به چپاول ادامه دهند. نگاهی به نظره‌های ابراز شده در دیگر عرصه‌ها، دید حامیان این نهاد تحت کنترل ولی فقیه نسبت به این قوه و انتظاراتشان از آن را نشان می‌دهد. پرویز کاظمی وزیر اسبق کار می‌گوید: "در فتنه سال ۸۸ درهم‌تنیدگی‌ها و پیچیدگی‌های بسیاری وجود داشت اما قوه قضاییه توانست تا حد بسیاری این موارد را از هم تمیز دهد. ... قوه قضاییه می‌توانست بهتر و با سرعت و دقت بیشتری عمل کند اما باید این را هم در نظر گرفت که فتنه ۸۸ به این سادگی‌ها نبود" (خبرگزاری فارس، ۶ تیرماه). سجادیان، مدیرمسئول سابق روزنامه کارگزاران، در رابطه با عملکرد صادق لاریجانی می‌گوید: "قطعاً در دوران ایشان عملکرد بسیار بهتر و قابل تقدیری را در قوه قضاییه شاهد بودیم البته روسای گذشته نیز خوب عمل کردند اما مواضع کارها و اقدامات این دوره را مورد ارزیابی قرار دهیم شاهدیم که خیلی بهتر عمل شده است" (خبرگزاری فارس، ۶ تیرماه). حجت‌الاسلام ابراهیمی، عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز، نیز گفت: "قوه قضاییه در فتنه سال ۸۸ برخورد منطقی و جدی انجام داد. قوه قضاییه نسبت به فتنه ۸۸ بی‌تفاوت نبود اما مأموریت این قوه باید تا برخورد با سواره نظام‌های فتنه ادامه داشته باشد" (خبرگزاری فارس ۴ تیرماه). حمیدرضا ترقی، از اعضای مؤتلفه، اظهار داشت: "دستگاه قضایی با همکاری دستگاه‌های امنیتی توانسته کمک بسیار شایانی به قانون‌مند کردن نظارت‌های امنیتی داشته باشد که این موضوع از دیگر ویژگی‌های دستگاه قضا به حساب می‌آید" (خبرگزاری فارس، ۴ تیرماه). فعالان سیاسی هم‌فکر با رژیم ولایت فقیه، رسالت سرکوبگری قوه قضاییه را برجسته و مهم می‌دانند و این نکته در اظهارنظرهای بالا نقش اصلی این قوه را به‌روشنی آشکار می‌کند. باروی کار آمدن حسن روحانی، در انتخاباتی مهندسی شده، از سوی طیف فکری نزدیک به رفسنجانی در داخل و خارج از کشور به فضای توهم

## ادامه قوه قضاییه اهرمی برای ...

می‌یابد و جای هیچ‌گونه خوش‌بینی را در این عرصه به وجود نمی‌آورد. احمد خاتمی، در نماز جمعه تهران، گوشه‌هایی از اهمیت این قوه سرکوبگر را تبیین کرد. او از جمله گفت: "اقتدار قوه قضاییه در حقیقت اقتدار نظام اسلامی است. یک اقتدار درون‌زا است که در این رابطه حضرت آقا شش سفارش به قوه قضاییه کردند" (خبرگزاری مهر، ۶ تیرماه). خاتمی، امام‌جمعه تهران، اقتدار بیرونی قوه قضاییه را چنین توضیح داد: "اقتدار بیرونی این است که تمکین کنیم به قانون. قانون باید فصل‌الخطاب باشد. نباید قوه قضاییه را متهم کنیم. گیریم در گوشه‌ای هم تخلفی رخ داده باشد اما بی‌انصافی است به کل قوه قضاییه بدویبره بگویید." احمد خاتمی در ادامه، دلایل مخالفت‌های گسترده با قوه قضاییه را به‌روشنی بیان کرد و گفت: "یکی به خاطر موضع‌گیری قابل‌تحسین رئیس قوه قضاییه علیه فتنه و فتنه‌گران است که مقام معظم رهبری ایشان را عالمی شجاع، آگاه به مسائل و متعهد خواندند و دوم مبارزه قاطع قوه قضاییه با مفاسد اقتصادی است." بحث تمکین به قانون موضوع جدیدی نیست. این بحث حتی در دورانی که محمد خاتمی در رأس قوه مجریه بود بارها از جانب وی مطرح شد. تأکید احمد خاتمی بر این مهم، صحنه‌گذاشتن بر این واقعیت است که قوانین موجود در مخالفت با خواست‌های اصلی میلیون‌ها تن از هم‌میهن‌مان و در موافقت با نفع غارتگران حاکم قرار دارد. بنابراین، تأکید بر این مسئله نشان می‌دهد که با تصویب قوانین ضد‌مردمی و فشار به گروه‌های اجتماعی برای تمکین به این به‌اصطلاح قوانین نخست پایه‌های حکومت‌شان را مستحکم می‌کنند و دوم اینکه برای سرکوب مخالفان‌شان بهانه در دست داشته باشند. سخنان احمد خاتمی در تحسین از رئیس قوه قضاییه به دلیل مبارزه قاطع با "فتنه و فتنه‌گران"، رسالت حقیقی این نهاد ضد‌مردمی را بیش‌ازپیش عیان می‌سازد. سرکوب گسترده فعالان سیاسی در هماهنگی کامل با دیگر ارگان‌های امنیتی در مقطع پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، نخستین بار نبود که چهره کریمه این قوه را آشکار می‌کرد. از ابتدای پیروزی شکوهمند بهمین ۵۷ تاکنون، استفاده از ابزارهای فشار به‌وسیله مجریان فعال در این نهاد هیچ‌گاه متوقف نشده است. سرکوب‌های شدید دهه ۶۰ خورشیدی، اعدام‌های وحشیانه تابستان ۶۷ خورشیدی [فاجعه ملی]، شدت بخشیدن به فشارهای گوناگون بر ضد فعالان سیاسی، کارگری، دانشجویی، زنان، و قومیت‌ها، پرونده‌ای پرچمی علیه عملکرد رسوا، غیرقابل‌دفاع، و توجیه‌ناپذیر قوه قضاییه شکل داده است. طرفه آنکه، مسئولان درجه اول و رده‌بالای این نهاد به‌اصطلاح قضایی، با کوچک شمردن نارسایی‌های عمده در قوه قضاییه و بی‌توجهی به عملکردهای زیان‌بار آن، دفاع از سیاست‌های تکنونی این قوه را به‌طوری بی‌شرمانه ادامه می‌دهند و مخالفت با این سیاست‌ها را تضعیف قوه قضاییه می‌دانند. شارلاتانیزم موجود در قوه قضاییه، که مجریان مسئول در آن طیف وسیعی از بدنام‌ترین و جنایت‌کارترین افراد را میان خوددارند، برای کنترل افکار عمومی ادعای مبارزه با مفاسد اقتصادی را در بوق و کرنا کرده‌اند. این به‌اصطلاح مبارزه با فساد به اعدام مه‌آفرید خسروی محدود شد و حتی به پیگرد و بازداشت موقت دیگر افراد که بنا بر گزارش‌های افشاگرانه تاکنونی، فعالان اقتصادی و مقام‌های حکومتی در بالاترین سطح را در برمی‌گیرد نینجامیده است. صادق لاریجانی



## ادامه تأملی کارشناسانه بر ...

تمام کمال که، بی تردید، مقاومت جنبش کارگری کشور در ناکام گذاشتن این خواست مهم‌ترین نقش را داشته است. مانع از آن نشد که رژیم در مقطع مختلف از طریق مجلس با تصویب قوانین ضد کارگری، مصوبه‌ها و ماده‌واحد‌ها، گروه‌گروه کارگران را از شمول قانون کار خارج کند و دولت‌ها با بخشنامه‌ها مفاد قانون کار را زیر پانهند و، بدتر از همه، "شورای عالی کار" با تصویب آیین‌نامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌ها و جز این‌ها، قانون کار را دور زند. اما، در سال‌های اخیر بحث تغییر و اصلاح قانون کار، سردمداران رژیم را گرفتار تناقض دیگری کرده است و، این تناقض از آنجا ناشی می‌شود که در پی اعلامیه سال ۱۹۹۸ سازمان بین‌المللی کار که تمامی دولت‌های عضو را صرف‌نظر از این‌که به مقوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ پیوسته باشند یا نه، موظف کرده است مفاد و اصول مندرج در این مقوله‌نامه‌های بنیادین را در قوانین خود به رسمیت بشناسند. از این رو، کشورهایی که تاکنون به این مقوله‌نامه‌ها نپیوسته بودند، می‌بایست مطابق با مفاد این اعلامیه گزارش پیشرفت خود را در زمینه قانونی کردن و اجرایی کردن این مفاد، به‌طور ادواری به دفتر بین‌المللی کار ارائه کنند. به‌علاوه، طبق تفاهم‌نامه امضا شده میان سازمان بین‌المللی کار و سازمان تجارت جهانی در سال‌های اخیر، به رسمیت شناختن اصول و مفاد مقوله‌نامه‌های مذکور، یکی از شروط عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی اعلام شده است. هم‌اکنون در پی آن که مفاد برنامه‌های چهارم و پنجم "توسعه" به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی به‌تمامی ملهم از سیاست‌های نو لیبرالیستی و مبتنی بر "آزادسازی" و "خصوصی‌سازی" تمام کمال است، در برنامه‌های مذکور به ترتیب ذیل مواد بندهای الف و ز ماده ۱۰۱ قانون چهارم و ذیل ماده ۲۴ برنامه پنجم مصوب سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸ آمده است:

ماده ۱۰۱ - دولت موظف است برنامه ملی توسعه کار شایسته را به‌عنوان گفتمان جدید عرصه کار و توسعه، بر اساس راهبرد «سه‌جانبه‌گرایی» که متضمن عزت‌نفس، برابری فرصت‌ها، آزادی و امنیت نیروی کار، همراه با صیانت لازم باشد و مشتمل بر محورهای ذیل تهیه و تا پایان سال اول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تقدیم مجلس شورای اسلامی بنماید. الف - حقوق بنیادین کار (آزادی انجمن‌ها و حمایت از حق تشکیل‌های مدنی روابط کار، حق سازمان‌دهی و مذاکره دسته‌جمعی، تساوی مزدها برای زن و مرد در مقابل کار هم‌ارزش، منع تبعیض در اشتغال و حرفه، رعایت حداقل سن کار، ممنوعیت کار کودک، رعایت حداقل مزد متناسب با حداقل معیشت). ز - اصلاح قوانین و مقررات در جهت انطباق قوانین و مقررات ملی با استانداردها و مقوله‌نامه‌های بین‌المللی، کنسولی، تحولات جهانی کار و امحای تبعیض در همه عرصه‌های اجتماعی به‌ویژه در عرصه روابط کار و اشتغال.

"ماده ۲۵ وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است حداکثر تا پایان سال اول برنامه، سند ملی کار شایسته را حسب مصوبات سازمان بین‌المللی کار و حقوق کار و حقوق کارگران و کارفرمایان در جهت تثبیت حقوق بنیادین کار و برای بهبود

روابط کارگر و کارفرما به شکل سه‌جانبه و با مشارکت تشکل‌های کارگری و کارفرمایی تنظیم نماید."

به این ترتیب، در حالی که رژیم به انواع حیل و زدبند‌های پنهان درصدد دفع الوقت کردن باهدف سرباززدن از این تعهد بین‌المللی خود که از جمله خواست‌های بنیادین کارگران کشور است، هر روز از طریق ماده‌واحد‌های اصلاحی، بخشنامه‌ها، مصوبه‌ها، آیین‌نامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های غیرقانونی به ترتیبی که در بالا ذکر شد، سعی در بی‌اثر کردن همین قانون کار ابتری دارد که پیشاپیش و از طریق محروم کردن کارگران از حق بنیادین سندیکا و سازمان‌های سندیکایی مستقل ضمانت‌های اجرایی را از خود سلب کرد. اما از آنجا که هم‌چنان رژیم درصدد تعرض هرچه بیش‌تر به حقوق کارگران است، بر کارگران و فعالان کارگری است که ضمن پافشاری بر به رسمیت شناخته شدن حقوق بنیادین کار در قانون کار و دیگر قوانین ناظر بر مناسبات کار، با هشیاری تمام طرح‌ها و لوایح پیشنهادی "اصلاح" قانون کار را باهدف ناکام گذاشتن رژیم در اهداف ضد‌مردمی زیر نظرگیرند.

از هنگام روی کار آمدن دولت حسن روحانی و دادن وعده‌های توخالی به قشرهای اجتماعی و از جمله کارگران نزدیک به یک سال می‌گذرد. در اوایل که میزان توهم نسبت به این دولت بیشتر نمود داشت ما حتی شاهد مواردی بودیم که فعالین سیاسی که هویت و اعتبار خود را به دلیل گرایش‌های چپ‌گرایانه به دست آورده بودند و طی سال‌های اخیر به ناگهان "تحول فکری" در آنان برجسته گردید و با سوارشدن بر موج جدید قصد داشتند از این نم‌د کلاهی فراهم کنند، در رابطه با کابینه دولت روحانی از جمله اظهار داشتند: "نقطه مثبت کابینه آقای روحانی معرفی تعدادی از مدیران باتجربه و موفق نظیر ابراهیم زنگنه و علی ربیعی است و این نشانه آن است که آقای روحانی قصد دارد از مدیران کارآ در بخش‌های اقتصادی استفاده کند." (مقاله‌ای در سایت ملی مذهبی، نوشته مهدی فتاح پور ۱۸ مرداد ۹۲). این طیف فکری که حتی نام بیژن نامداری زنگنه را ابراهیم آورده است و از مدیران "باتجربه" قلمداد می‌کند مشخص نمی‌کند این فرآیند در خدمت چه کسانی به کار گرفته شده است. زنگنه از جمله وزرای دولت روحانی است که پرونده‌های فساد او بر هیچ کس پوشیده نیست. اما سواى سابقه امنیتی ربیعی که در آن موارد غیر قابل دفاع وجود دارد عملکرد و سمت‌گیری‌های تاکنونی وی ملاک خوبی است برای وزن‌کشی جریانی که در طول یکسال گذشته نیات و سمت‌گیری‌های واقعی را به روشنی نزد همگان بر ملا کرده است. ربیعی در مصاحبه با روزنامه شرق، ۲۱ مرداد ۹۲، و قبل از رفتن به مجلس برای رأی اعتماد در رابطه با سابقه امنیتی خویش می‌گوید: "امنیت از نیازهای بنیادین انسان و جوامع است و آن‌ها که در چارچوب قانون و اخلاق به تأمین امنیت می‌پردازند کار مهمی انجام می‌دهند و در همه جوامع محترمند. کسانی که در سطوح ارشد و به‌صورت علمی با مقوله امنیت سروکار دارند، معمولاً توانایی‌های تحلیلی، دانش

## ادامه تأملی کارشناسانه بر ...

مناسب از شرایط اجتماعی، قدرت پیش‌بینی و آینده‌نگری، شجاعت و قاطعیت دارند. "حضور ربیعی در کابینه روحانی و گرفتن رأی اعتماد از مجلس دقیقاً به دلیل سابقه امنیتی و بینشی است که وی در بالا آن را سر بسته بیان کرده است. اما قسمت مهم صحبت‌های ربیعی آنجایی است که اتفاقاً با بحث اصلی ما در این مقاله مرتبط می‌شود. وی در جایی دیگر از اظهاراتش در مورد اینکه وظیفه وزارت کار نه اشتغال زایی بلکه تنظیم روابط کار است، می‌گوید: "این حرف به جهاتی درست و به جهاتی نادرست است. روابط کار میان سه ضلع کارگر، کارفرما و دولت شکل می‌گیرد. سازمان بین‌المللی کار نیز همواره بر تعامل این سه ذی‌نفع تأکید کرده که اصطلاحاً سه‌جانبه‌گرایی گفته می‌شود. ... در ایران نیز بحث‌های زیادی در خصوص سهم سه‌ضلع روابط کار در تنظیم روابط وجود دارد. مسائل پیچیده‌ای نظیر قراردادهای موقت کار، پرداخت حقوق بیمه‌ای، تعیین سطح دستمزدها و نسبت آن با تورم، تصویری مبهم و پرتنش از روابط کار ترسیم کرده‌اند. همه این پیچیدگی‌ها در بستر شرایط دشوار اقتصادی، اثر تحریم‌ها، افزایش بیکاری - که مستقیماً بر منابع درآمدی تأمین اجتماعی تأثیر دارد - رخ داده‌اند. "مروری دوباره به صحبت‌های وی بیفکنیم. وقتی قراردادهای موقت کار را "مسائل پیچیده" و تعیین سطح دستمزدها را "تصویری مبهم و پرتنش از روابط کار" ارزیابی می‌کند به خوبی می‌توان پی برد که نگاه مزبور نه از زاویه حل مشکلات بلکه از دیدگاه امنیتی حکایت دارد. ربیعی به خوبی آگاه است که همین موضوع قراردادهای موقت و عدم تعیین دستمزدها با نرخ تورم می‌تواند چالش‌های سنگینی را بر علیه حاکمیت به همراه داشته باشد و سعی می‌کند از "تجربیات" خویش در این زمینه به نفع حفظ و بقای رژیم ولایت فقیه استفاده کند.

ربیعی در جواب این سؤال که بعد از حذف یارانه‌ها وضعیت کارگر و کارفرما یکسان شده و باید به حرف دو طرف گوش داد آشکارا به حمایت از کارفرمایان می‌پردازد و می‌گوید: "اینکه صدای کارفرماها راسر از کارگران بوده نکته‌ای است که بارها گفته شده و در رسانه‌ها نیز در روزهای اخیر بیشتر مطرح می‌شود. این مناقشه‌ای در سطح جهانی است که بالاخره نظام‌های رفاهی از ایجاد اشتغال به کمک ایجاد قوانینی جهت حمایت از حفظ اشتغال کارگران و دشوارکردن مثلاً تعدیل نیرو استفاده می‌کنند؛ یا ترجیح می‌دهند بعد از بیکارشدن کارگران از ایشان حمایت اجتماعی به عمل بیاورند. ترکیبی از این دو سیاست نیز به کار گرفته می‌شود. هر یک از این دو رویکرد مزایا و معایبی دارد ولی مهم این است که دولت‌ها هر کدام را که به کار گرفتند قادر باشند اقداماتی در پیش بگیرند تا خسارات وارده ناشی از آن رویکرد به طرف ضعیف‌شده را به نحوی جبران کنند." نکته قابل تأمل در این سخنان تضاد آشکار در دو موضع‌گیری فوق است. از یک طرف چالش‌های موجود در رابطه با دستمزد و روابط کارگر و کارفرما را به نوعی به وضعیت اقتصادی مبهم مرتبط می‌داند اما در جایی که حمایت از کارفرماها را توجیه می‌کند بحث "مناقشه در سطح جهانی" را پیش می‌کشد. ربیعی در رابطه با مناقشه تغییر قانون کار می‌گوید: "راه‌حل چنین مناقشه‌ای به نوعی در آن چیزی که سازمان بین‌المللی کار بر آن تأکید

می‌کند وجود دارد. آنچه سند کار شایسته خوانده می‌شود دارای رویکرد جامعی است که می‌تواند این مشکل را حل کند. این سند بر گفت‌وگوی اجتماعی میان همه شرکای موجود در جامعه کار تأکید و برای این گفت‌وگو از تقویت تشکل‌های مدنی کار حمایت می‌کند. معنی‌اش این است که دولت باید به عنوان یکی از ارکان سه‌جانبه‌گرایی شرایط تقویت نیروی اجتماعی هر دو طرف رابطه کار را فراهم و رسیدن به توافق را تسهیل کند. در غیر این صورت مداخله دولت به نفع هر کدام از دو طرف، نارضایتی و عدم تعادل ساختاری ایجاد می‌کند. "اتفاقاً ما با این قسمت از سخنان ربیعی هیچ مشکلی نداریم اما سؤال اصلی این است که در طول یکسال گذشته کدام تشکل کارگری مستقل توانسته ابراز وجود کند. معدود تلاش‌های شجاعانه‌ای که به همت کارگران صورت گرفت با سرکوب شدید حاکمیت مواجه شد. وضعیت رضاشهبایی تنها یک نمونه از این ادعا می‌باشد. می‌شود با صحبت‌های خوب رفع مسئولیت کرد اما آن چیزی که تعیین‌کننده است باید در عرصه عمل امکان بروز و ظهور یابد. جایگاه وزارت تحت کنترل وی در کدامین سوی این قضیه طی مسیر نموده است؟ خود وی در این مورد می‌گوید: "حق اظهارنظر تشکل‌ها و فعالان کارگری از اصول مطرح قانون اساسی است. نظر من به‌عنوان وزیر پیشنهادی این است که باید این تشکل‌ها مستقل‌تر شوند، از مداخله دولت در شکل‌دادن به این تشکل‌ها جلوگیری، و آزادی لازم مطابق قانون اساسی برای آن‌ها فراهم شود. اگر مجلس به من رأی اعتماد دهد، برای تحقق چنین اهدافی تلاش می‌کنم. سابقه حضور من در تشکل‌های کارگری نیز این را نشان می‌دهد. اما باید واقع‌بین باشیم و جامعه‌شناختی و تاریخی به مسائل نگاه کنیم. میزان تقویت تشکل‌های کارگری به‌شدت تحت تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایران است. در سوالات قبلی هم توضیح دادم که نیروی اجتماعی کارگری تحت شرایط خاصی شکل می‌گیرد. ... تشکل‌های قوی در بستر اقتصادی پویا شکل می‌گیرند و البته تشکل‌های قوی‌تر، به سیاست‌گذاری عاقلانه‌تر و پویاتر شدن اقتصاد کمک می‌کنند." ربیعی با زبانی گویا وعده تشکل‌های مستقل کارگری را به آینده‌ای نامعلوم محول می‌کند. برای پی بردن به دورخیزهای مد نظر طیف فکری که ربیعی یکی از نمایندگان آن است جواب وی در رابطه با قراردادهای سفید امضا کمک‌کننده این بحث است. وی می‌گوید: "... مثل شما فکر نمی‌کنم کسی درباره شرایط موجود قراردادهای سفیدامضا، قراردادهای سه‌ماهه یا برخی دیگر از شرایط نامناسب کارگران سخنی نمی‌گوید یا فکری نمی‌کند. سخن بسیار گفته می‌شود و خیلی‌ها سعی می‌کنند فکری برای حل مسئله داشته باشند. مسئله این است که شرایط حل و فصل کردن این معضلات فراهم نیست." اما برای اینکه ربا کاری این چهره امنیتی رژیم را افشا کنیم استناد به گزارش خبرگزاری تسنیم، ۵ اردیبهشت سال جاری جالب است. وی در مورد همین قراردادهای سفید امضا می‌گوید: "این وزارتخانه به بازرسین خود ابلاغ کرده است به محض مشاهده قرارداد سفیدامضا اقدام قضایی انجام دهند" آیا روشن‌تر از این می‌توان چهره مزورانه وزاری دولت "تدبیر و امید" را مشخص کرد؟ قسمت اصلی مصاحبه آنجا می‌باشد که وی در جواب سؤال دیگر در رابطه با سیاست اقتصاد لیبرالیستی احمدی نژاد نعل وارونه می‌زند و در دفاع از این سیاست‌های ضد کارگری می‌گوید: "من به جهاتی با دیدگاه شما موافق نیستم. در اصل شما به گونه‌ای از واژه لیبرالیسم سخن می‌گویید و سیاست‌های دولت قبلی را لیبرالیستی می‌خوانید که دو پیش‌فرض در آن مستتر است. پیش‌فرض اول اینکه دولت قبلی برداشت روشنی از لیبرالیسم داشته، آن را فهم کرده بود و بر بنیان اندیشه و نظریه مشخصی از لیبرالیسم سیاست‌گذاری و عمل کرده است. تصور می‌کنم اصلاً چنین چیزی وجود نداشته است. احتمالاً هیچ سیاست مشخص برنامه‌ریزی‌شده‌ای که بر بنیان فهم دقیقی از نظریه‌های اقتصادی بنا شده باشد بر اقدامات دولت‌های نهم و دهم حاکم نبوده است. بیشتر اختصاصی‌سازی و فراهم کردن زمینه برای رانت‌جویی حاکم بوده است. لیبرالیسم، صرف‌نظر از اینکه چه قضاوتی درباره آن داشته باشید، به معنای فراهم کردن زمینه‌های تحقق اقتصاد بازار،



## ادامه تأملی کارشناسانه بر ...

به ساختار نهادی مناسب نیاز دارد. به قول برخی اقتصاددانان ایرانی، دولت در سال‌های گذشته بیشتر به تشدید وضعیت نابازار کمک کرده است نه خلق مناسبات نهادی لازم برای تحقق اقتصاد بازار که غالباً لیبرالیستی خوانده می‌شود. "بدین ترتیب تمامی اقدامات هشت ساله دولت احمدی نژاد و شکست آن برنامه‌ها که اقتصاد ایران را به قهقرا برد را عدول از برنامه لیبرالیستی می‌داند و به نحو آشکار به حمایت از این برنامه‌ها ابراز تمایل می‌کند. البته ریعی در این عرصه تنها نیست و اتفاقاً رفسنجانی پدر معنوی این طیف فکری جدیداً با حمله به تفکر چپ همین توجیحات را در باره ورشکستگی اقتصادی میهن این چنین بیان می‌کند: "اگر درست عمل می‌شد، ما در رهایی اقتصاد از درآمدهای نفت و همچنین کم کردن تصدی‌گری‌های دولت به موفقیت‌های خوبی می‌رسیدیم، ولی نه تنها به اهداف افق سند توسعه ۲۰ ساله نرسیدیم بلکه به صراحت مسوولان مربوطه در خیلی از بخش‌ها عقب افتادیم." (شرق ۳۰ تیر ۹۳)

رفسنجانی با بیان تأثیر ادبیات کمونیست بر کسانی که وی آن‌ها را "انقلابیون دوران مبارزه" نامیده، گفت: «اوایل پیروزی انقلاب بر اساس این ادبیات و احساسات پرشور انقلابی، سپردن کارها و نهادهای دولتی به مردم و بخش خصوصی را انحراف از انقلاب می‌دانستند.» و در پایان از اینکه راه کارهایی که تغییر در اصل ۴۴ را موجب شد، اظهار داشت: "با آینده‌نگری برخی از اعضا، صدر و ذیل این اصل به گونه‌ای تدوین شد که به تصریح قانون اساسی، وقتی تصدی‌ها مانع رونق اقتصادی شوند، اصلاح خواهند شد." هدف از بازگویی این اظهارات بدین معنا است که شرایط با روی کار آمدن حسن روحانی هیچ گونه تغییری نکرده است. جناحی چپ‌اولگر جای خود را به جناح چپ‌اولگر دیگری داده است. قرار نیست در این پروسه حقوق کارگران و زحمتکش‌ان بازمینی و به آن‌ها پس داده شود. یادآوری قسمتی از سخنان ریعی به عنوان یکی از مهره‌های کلیدی دولت حسن روحانی که در طول یکسال گذشته در تجربه عمل ماهیت آن نزد کارگران و فعالان سیاسی حامی آن‌ها افشا گردیده از آن رو حایز اهمیت است که در فرآیندهای پیش رو، جنبش کارگری با آگاهی کامل نسبت به آن تجزیه و تحلیل داشته باشد. خبرگزاری مهر، ۴ خرداد ماه سال ۹۲ گزارش داد که "اصلاح قانون پر حاشیه قانون کار در مجلس متوقف شد". از آن زمان تاکنون بحث و جدل‌های مربوط به این تغییرات فروکش کرده چون با توجه به شرایط جدید، باز کردن دوباره این بحث بخصوص دولت روحانی را با چالش‌هایی مواجه خواهد کرد اما نباید این تصور را داشت که بحث "قانونی" کردن مواد ضد کارگری متوقف شده است. با توجه به وضعیت جنبش کارگری بطور حتم و یقین کارگزاران رژیم نسبت به این موضوع در اولین فرصت مناسب سیاست تعرضی خویش را دوباره شروع می‌کنند.

ضعف‌ها و نواقص سرشتی و بنیادین قانون کار، نباید موجب انفعال نسبت به اصلاح آن از موضع محدود کردن هرچه بیش تر مفاد حمایتی آن از کارگران یا به عبارت بهتر، تهاجم جدید با هدف زیربانهادن هرچه بیش تر حقوق کارگران شود. بلکه برعکس، بحث تغییر و "اصلاح قانون کار" فرصتی است تا

## کارگران آگاه و فعالان سندیکایی مدافع



سندیکایی مدافع سندیکاها و سازمان‌های سندیکایی مستقل با بهره‌گیری از همه‌ی امکانات به بازنگری این قانون و لوایح "اصلاحی" آن

بنشینند و به نقد آن برخیزند؛ با این هدف که، با بحث‌های آگاه‌گرانه، کارگران را حول برنامه‌های مطالباتی خود برانگیزند و، چنان نیروی مادی را فراهم آورند که نولیبرالیسم حاکم بر کشور را در دست یابی به اهداف شوم خود، ناکام گذارد و، آن را به عقب نشینی هرچه بیشتر وادارد. به باور ما، رسمیت یافتن موضوعی به نام حقوق کار از سوی سرمایه‌داران و دولت‌ها در بنیاد خود برآمده از مبارزه خونین کارگران جهان بیش از طی بیش از دو سده است و، کاستی‌ها نباید موجب انفعال و بی‌اعتنایی به آن بخش از دست‌آوردهای حاصل از مبارزه نسل‌ها کارگر شود.

با چنین رویکردی است که در این گفتار ضمن طرح اصول و مفاد ناظر بر حقوق کار به نقد کاستی‌های قانون کار کنونی و، البته هرکجا که لازم باشد، به نقد کاستی‌های بنیادین قانون کار در دوران پیش از انقلاب، برآمده ایم. به علاوه، هرجا که لازم بود، به چگونگی انعکاس حقوق کار در مبانی حقوق بین‌المللی کار که عمدتاً در اسناد، مقاله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار تجلی یافته است، اشاره کرده ایم. زیرا، به باور ما، یکی از شاخصه‌های مهم در تبیین حقوق کار و نقد قوانین کار توجه به این اسناد به مثابه مهم‌ترین مرجع حقوق بین‌المللی کار و برتابنده‌ی کف مطالبات کارگری در مقیاس جهانی است؛ مطالباتی که جمهوری اسلامی نیز، به حکم عضویت در سازمان بین‌المللی کار دست کم متعهد به رعایت این حداقل‌هاست. به علاوه، ما برآنیم که تسلط به مبانی حقوقی کار و ازجمله حقوق بین‌المللی کار به کارگران و به ویژه، فعالان سندیکایی امکان آن را می‌دهد که با توانایی بیشتری در کارزار دفاع از منافع کارگران، فعالیت‌های آگاه‌گرایانه و پیشبرد آموزش‌های سندیکایی، مذاکرات جمعی با کارفرمایان و دولتمردان، حضور در محاکم قضایی و، حتا "مذاکره" در احضارها و بازجویی‌های غیرقانونی که مصداق تجاوز آشکار به حقوق کارگران و آزادی‌های سندیکایی است، ظاهر شوند. جمهوری اسلامی به حکم عضویت در سازمان بین‌المللی کار و پذیرش مفاد اساس نامه آن و ازجمله مفاد پیش‌گفتار و اعلامیه فیلادلفیا به مثابه جزء جدایی‌ناپذیر اساسنامه این سازمان، موظف به اجرا و پیشبرد اصول و مفاد حقوق به رسمیت شناخته شده بین‌المللی به مثابه حداقل حقوق ناظر بر روابط و شرایط کار است. اما با وجودی که قضات مأمور معذور در پشت درهای بسته، در احضارها، بازداشت‌گاه‌ها و محاکم قضایی با استناد به قانون کار و دیگر قوانین جاری، مدعی هستند که سندیکا و فعالیت‌های سندیکایی و ازجمله راه پیمایی، تظاهرات اعتراضی و اعتصاب غیر قانونی است. حال آن‌که، به استناد حقوق بین‌المللی کار و حتماً مطابق با آن بخش از قانون اساسی که به آزادی‌های اجتماعی مربوط است، آن چه پیش و بیش از همه، فاقد وجهت حقوقی و اجتماعی است، آن قوانین جاری و آن بخش از قانون کار است که این حقوق مسلم سندیکایی کارگری را نادیده گرفته است؛ قوانین باطلی که باید به حکم عدم برخورداری از وجهت حقوقی و اجتماعی، ملغی شوند.

امید که این گفتار باب گفتگوی سازنده‌ای را در میان فعالان کارگری و سندیکایی بگشاید.



کرادلی هیئت  
"انجمن چکش  
کاران و زنجیر  
سازان محلی  
کرادلی هیئت و  
حومه" را تشکیل  
دادند که در  
حقیقت یک  
اتحادیه واقعی و  
اصیل بود که

به‌ندرت در تاریخ مبارزاتی این کارگران به این امر اشاره می‌شود. در سال ۱۹۰۷ این انجمن به فدراسیون سراسری کارگران زن (NFWW) پیوست و به بخش زنجیر سازان این فدراسیون تبدیل شد.

در شرایط آن روز، اتحادیه‌ها بیشتر محلی و متعلق به صنف یا حرفه‌ای خاص بودند. اما با نیرومندتر و پیکارجو تر شدن جنبش اتحادیه‌ای در سال‌های نخستین سده بیستم، روند ایجاد تشکل‌های فراگیرتر شتاب گرفت.

در کنار این روند، کارزار عمومی علیه شرایط نامناسب و بهره‌کشی شدید در بخش صنعت، که اکثر کارگران آن‌ها زن بودند، سرانجام به ایجاد جنبشی در طبقه کارگر انجامید. در سال ۱۹۰۹، در پی انتخاب شمار اندک اما رو به افزایشی از نمایندگان حزب کارگر در مجلس، دولت لیبرال "قانون هیئت‌های صنفی" را تصویب کرد که در تلاطم‌های کارگری ۷۰-۶۰ ساله در صنعت زنجیر سازی منطقه Black County [سرزمین سیاه، به علت دوده فراوان ناشی از سوخت زغال‌سنگ در این منطقه بسیار صنعتی] تأثیر چشمگیری داشت. در جاهایی که "نرخ دستمزد رایج در شاخه‌ای از صنف یا حرفه در مقایسه با دستمزد در بخش‌های دیگر بیش از اندازه پایین بود" این قانون امکان تعیین حداقل دستمزد در آن شاخه را فراهم می‌کرد. در آغاز سال ۱۹۱۰، برای زنجیر سازان دست کار، که با چکش دستی کار می‌کردند، حداقل دستمزد ۵/۲ پنی در ساعت، برای ۵۵ ساعت کار در هفته، پیشنهاد شد که تقریباً دو برابر میزان پرداختی رایج در آن زمان بود (برای مقایسه، بهای یک قرص نان در آن زمان ۵/۲ پنی بود) [هر شیلینگ = ۱۲ پنی]. با نزدیک شدن مهلت اجرای دستمزدهای جدید در کارگاه‌های زنجیر سازی کوچک، کارفرمایان اعلام کردند که دستمزدها را مطابق با قانون جدید نخواهند پرداخت و در ضمن همان شیوه پیشین پرداخت بر اساس تعداد جنس تحویل شده را ادامه خواهند داد. برخی از کارفرمایان حتی با نیرنگ و فریب زنان کارگر را مجبور به امضای برگه‌هایی کردند که در آن از حق خود برای دریافت دستمزد مطابق قانون جدید چشم‌پوشی کنند.

وقتی معلوم شد که کارفرمایان تمایلی برای اجرای قانون جدید ندارند، از همه "کارگران زن چکش کار در صنف زنجیر ساز" خواسته شد تا بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۱ آوریل ۱۹۱۰ را نصف روز تعطیل کنند و برای شنیدن گزارشی درباره "قانون هیئت‌های صنفی" و تأثیر آن بر صنف زنجیر ساز در یک جلسه جمع شوند. سخنرانان این جلسه، خانم مری مک آرتور، فعال اتحادیه‌ای، و آقای جی جی مالون، رئیس "اتحادیه ضد شرایط نامناسب کار" بودند.

در آن زمان در حدود ۷۰۰۰ کارگر زنجیر ساز در کارگاه‌های کرادلی و حومه کرادلی هیئت کار می‌کردند که دوسوم آنان زن بودند. در حدود ۸۵۰ نفر از کارگران به علت نپذیرفتن موضع کارفرمایان در سرپیچی از اجرای قانون حداقل مزد، دست به اعتصاب زدند، یا اینکه قبل از آنکه اعتصاب کنند، کارفرمایان جلوی ورود آن‌ها را به کارگاه‌ها گرفتند و آن‌ها را پشت درهای بسته گذاشتند.

خانم مک آرتور یکی از شخصیت‌های محوری در این مناقشه کارگری-کارفرمایی بود. او در مقام رهبر فدراسیون سراسری کارگران زن (NFWW) در فشار آوردن به صاحبان قدرت و پیش بردن کارها، لابی‌گری در مجلس، و جلب توجه مطبوعات و "هیئت‌های صنفی" توانست نقش مهمی بازی کند. او همچنین در جمع‌آوری کمک‌های مالی به مبلغ هنگفت ۴۰۰۰ پوند (معادل

## درس‌هایی از تاریخ مبارزات در خشان جنبش‌های کارگری در جهان: اتحاد، مبارزه، پیروزی

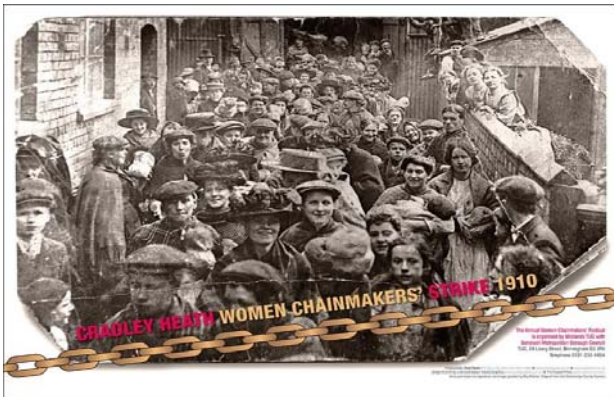
تاریخ مبارزات کارگری جهان سرشار از نبردهای نفس‌گیر و شورانگیزی است که پیروزی‌هایی چشمگیر به دنبال داشته‌اند و قدرت شکست‌انگیز اتحاد و پیگیری در مبارزه برای تحقق خواست‌های بنیادی زحمتکشان را نشان می‌دهند. دستاوردهای زحمتکشان در زمینه‌های گوناگون، از دستمزدهای مناسب گرفته تا ساعت‌های کار و تعطیلی هفتگی و مرخصی و بیمه و اضافه‌کاری و غیره، در روند پیکارهای طولانی و پُرنرج ولی افتخارآمیزی به دست آمده است که نمونه‌های پیروزمند آن را در تاریخ مبارزات کارگری کشور خودمان در چند دهه گذشته فراوان می‌توان یافت. به پشتوانه همین پیشینه درخشان است که امروز زحمتکشان جهان، و از جمله کارگران و زحمتکشان ایران، در برابر تلاش اردوی سرمایه جهانی و ارتجاع برای بازپس‌گیری دستاوردهای زحمتکشان، و نقض بنیادی‌ترین حقوق آن‌ها در زمینه‌های شغلی و سندیکایی، جانانه مقاومت می‌کنند. از یک سو، اردوی سرمایه جهانی برای به حداکثر رساندن سود خود زندگی‌ها را متلاشی و مقاومت‌ها را سرکوب می‌کند، و از سوی دیگر، زحمتکشان به‌طور طبیعی برای تأمین یک زندگی شایسته و شرایط کار انسانی تلاش می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند. برخورداری از یک زندگی شایسته حق هر انسانی است، و سنگ‌اندازی در تأمین این زندگی از سوی هر نهاد خصوصی یا دولتی که باشد، ظلم و ستمی است نابخشودنی به خانواده‌های زحمتکشان. آنچه در ادامه می‌خوانید، نمونه درخشانی است از اتحاد زنان کارگر "زنجیر سازی" در انگلستان و مبارزه جمعی و متشکل آن‌ها، که سرانجام شیرین آن پیروزی کارگران و دستمزدهای بهتر برای آن‌ها بود.

\*\*\*

در سده نوزدهم میلادی بیشتر تولید زنجیرهای بزرگ دیگر از حالت تولید کارگاهی درآمده و صنعتی شده بود. اما تولید "زنجیرهای کوچک" برای استفاده در کشاورزی و وسایل خانگی هنوز وجود داشت و به‌طور عمده در خانه‌ها و اتاقک‌های گوشه حیاط خانه‌ها به حیات خود ادامه می‌داد. بیشتر این تولید در کارگاه‌های بسیار کوچک و به‌طور دستی توسط زنان و دختران جوانی انجام می‌شد که اغلب فاقد تشکل اتحادیه‌ای بودند و در شرایط نامناسب و اجحاف‌آمیز کار می‌کردند. در گذر سال‌ها، صنعت زنجیر سازی کوچک به تدریج در شهر کوچک "کرادلی هیئت" (Cradley Heath) در "وست میدلند" [در انگلستان] متمرکز شد.

مزدی که به بسیاری از کارگران پرداخت می‌شد ۳ شیلینگ در هفته بود که مبلغی بسیار ناچیز بود. برای مقایسه، کارگران بارانداز لندن در سال ۱۸۸۹ برای دستمزد ۶ شیلینگ در ساعت اعتصاب کرده بودند. هر کوششی برای بهبود شرایط کارگران زنجیر ساز در کارگاه‌های کوچک و خانگی، با تهدید کارفرمایان به ماشینی کردن تولید روبرو می‌شد که می‌توانست به قیمت بیکار شدن همه کارگران تمام شود.

در آغاز سده بیستم، در سال ۱۹۰۵، زنجیر سازان زن در



## ادامه درس هایی از تاریخ مبارزات ...

۳۷۰/۰۰۰ پوند به ارزش پول امروز) برای صندوق اعتصاب نقش برجسته‌ای داشت. به پشتوانه همین کمک مالی بود که اعتصاب‌کنندگان توانستند مبارزه خود را به مدتی طولانی ادامه دهند. یکی دیگر از نکته‌هایی که در این پیکار کمتر به آن پرداخته می‌شود این است که بیشتر کار عملی‌ای که در این مناقشه انجام گرفت، از جمله وظیفه سنگین حفظ اتحاد زنان کارگر و پشتیبانی فعالان اتحادیه‌ای مرد به عهده جولیا وارلی (۱۸۷۱-۱۹۵۲م) بود، چون خانم مک آرتور مجبور بود بیشتر وقت خود را در لندن بگذراند.

وارلی زندگی کاری‌اش را در ۱۳ سالگی در کارخانه پشم و کاموای بزدفورد (Bradford) در شغل رفتگری شروع کرد. در کردلی هیث اوضاع خیلی حاد شده بود. جمع زیادی از زنان از امضای برگه‌ای که کارفرمایان را از اجرای قانون هیث‌های صنفی درباره حداقل دستمزد مستثنی می‌کرد، خودداری کرده بودند. در روز ۲۷ اوت ۱۹۱۰ (شهریور ۱۲۸۹ش) کارفرمایان درهای کارخانه‌ها را به روی کارگران بستند و از ورود آن‌ها به محل کار جلوگیری کردند.

در هفته اول اعتصاب، نشست همگانی کارگران به راه‌پیمایی خیابانی آنان همراه با خواندن ترانه‌های شور آور منتهی شد. شعبه کردلی هیث فدراسیون سراسری کارگران زن همچنان برای تأمین زندگی کارگران اعتصابی به آن‌ها کمک مالی می‌کرد. در هفته نخست اعتصاب، ۲۱۲ کارگر عضو اتحادیه و ۲۰۲ کارگر که عضو اتحادیه نبودند هرکدام به ترتیب ۵ شیلینگ و ۲ شیلینگ و نیم دریافت کردند. تأثیر این کمک مالی تکان‌دهنده بود. در هفته دوم، تعداد کارگرانی که از این کمک مالی برخوردار شدند به ۲۲۶ کارگر عضو اتحادیه و ۴۳۰ کارگر غیر عضو افزایش یافت. در همین هفته، یک تظاهرات رسمی ترتیب داده شد و ۵۰۰۰ نفر از مردم در مقابل دبستان محله گرینجر (Grainger) تجمع کردند. صف تظاهرکنندگان، که دسته موزیک کواری بانک (Quary Bank) پیشاپیش آن حرکت می‌کرد، تا کردالی و دروازه کولی (Colley) رفت و دوباره از همان مسیر به محل اول بازگشت. خیلی از تظاهرکنندگان کودکانشان را نیز با خود به راه‌پیمایی آورده بودند. همه به‌دقت به سخنرانی وارلی و نماینده خانم مک آرتور که از لندن آمده بود گوش می‌دادند. زنان کارگر روحیه‌ای شاد داشتند و حتی احساس رهایی می‌کردند. هر شب عده‌ای از زنان برای جمع‌آوری کمک مالی به مناطق دوردست و حتی تا بیرمنگام (Birmingham) و سراسر منطقه صنعتی "سرزمین سیاه" می‌رفتند و با دستی پُر باز می‌گشتند. هیچ‌کس از آن‌ها نمی‌پرسید که آیا اجازه جمع‌آوری پول در خیابان رادارند یا نه. فقط کافی بود که ظرف‌هایشان را به صدا درآورند و ندا دهند: "به اعتصاب دختران کردالی کمک کنید!" پشتیبانی مردم از اعتصاب‌کنندگان چشمگیر بود و روزنامه‌ها نیز گزارش‌های بسیار شورانگیزی منتشر می‌کردند. روزنامه دیلی اکسپرس در شماره روز اول سپتامبر ۱۹۱۰ خود مقاله‌ای درباره خانم راند (Patience Round)، "اعتصابی ۷۹ ساله" و یکی دیگر از ۱۲ زنچیر ساز اعتصابی که بیشتر از ۷۰ سال داشتند منتشر کرد. نشریه بیرمنگام دیسپچ (Birmingham Despatch) هم درباره این خانم نوشت که از ۱۰ سالگی زنچیر سازی می‌کرده است. این گزارش‌ها با اشاره به افق زندگی محدود خانم راند که "در زندگی‌اش هیچ‌گاه از محدوده کردالی هیث خارج نشده است"، درباره زندگی خصوصی او نوشتند که برای تأمین معاش و هزینه نگهداری شوهر معلولش، چاره‌ای نداشته است جز اینکه از طلوع تا غروب آفتاب کار کند. در روزنامه‌ها از قول خانم راند نوشتند که: "این روزها، روزهای خیلی خوبی است... هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم که برای تحقق حقوق زنان زندگی و مبارزه کنم." در آن

زمان ۶۳۸ تن از کارگران زن پشت درهای بسته ماندند که ۳۲۰ تن از آن‌ها عضو اتحادیه بودند و ۳۱۸ تن از آن‌ها عضو نبودند. در مجموع ۸۰۰ کارگر اعتصابی از صندوق اعتصاب کمک مالی دریافت می‌کردند و تقریباً با اطمینان می‌توان گفت که به این دلیل بود که کارگران توانستند به اعتراض خود ادامه دهند، به طوری که در عرض یک ماه، ۶۰ درصد از کارفرمایان موافقت کردند که حداقل دستمزد قانونی را بپردازند. اکنون زمان انتظار بود. در هفته سوم اعتصاب، در یک روز دوشنبه، یک گردهمایی اعتراضی در برابر تئاتر امپایر برگزار شد. در هفته چهارم نیز این گردهمایی تکرار شد. تا آن زمان ۳۵ کارخانه‌دار با پرداخت دستمزد کامل موافقت کرده بودند. در ۲۴م سپتامبر، یعنی در هفته پنجم مناقشه کارگران و کارفرمایان، دیگر روشن بود که روند حل و فصل مناقشه دارد به خوبی به سود کارگران پیش می‌رود. صاحبان کارخانه‌های کوچک‌تر و واسطه اعلام کردند که آماده‌اند دستمزدها را بر اساس نرخ مصوب هیث صنفی بپردازند، به شرط آنکه کارفرمایان عمده موافقت کنند که فقط به چنین کارخانه‌هایی که پرداخت با نرخ قانونی را پذیرفته‌اند جنس سفارش دهند. در این زمان ۶۰۰ کارگر عضو اتحادیه با مزد تصویب‌شده قانونی کار می‌کردند، ولی ۱۴۰ کارگر عضو اتحادیه و ۲۸۰ کارگر غیر عضو هنوز درگیر مناقشه بودند و به توافق نرسیده بودند. در هفته ششم، در یک روز یکشنبه، گردهمایی بزرگ دیگری در تئاتر امپایر برگزار شد که این بار سخنرانان اصلی آرتور هندرسون، رهبر فراکسیون حزب کارگر در مجلس، و جان گالزورثی (John Galsworthy)، داستان‌نویس مشهور، بودند.

کارفرمایان پیشنهاد کارخانه‌داران واسطه را رد کردند و اختلاف و مناقشه به ماه اکتبر کشیده شد، ضمن آنکه روز به روز حادثه‌تر نیز می‌شد. کار از گفتگو به تظاهرات ایستاده در برابر تمام کارخانه‌ها تبدیل شد، عملی که امروزه آن را اصطلاحاً "گام بعدی" می‌خوانند. سرانجام توافق غیرمنتظره‌ای به عمل آمد که نشان از کوتاه آمدن کامل کارفرمایان داشت. همه کارفرمایان موافقت کردند که فقط با کارخانه‌داران واسطه‌ای که دستمزدهای جدید را پذیرفته‌اند معامله کنند. تا آن زمان دست‌کم ۱۳۵ کارخانه‌دار واسطه دستمزدهای قانونی جدید را پذیرفته بودند.

در همان روز، در تجمعی از زنان که در دبستان محله گرینجر برگزار شد، حاضران همگی بر این نظر بودند که آنچه روی داده است، پیروزی قطعی و کاملی است که آن‌ها در ده هفته گذشته به دنبال آن بوده‌اند. به این زنان کارگر پیشنهادهای بی‌شماری برای پایان دادن به اعتصاب و بازگشت به کار داده شده بود، اما آنچه آن‌ها را راضی می‌کرد، فقط و فقط دستیابی به همه خواسته‌هایشان بود و نه هیچ چیز دیگر.

نکته جالب دیگر اینکه در این نبرد حتی یک کارفرما ورشکست نشد، هیچ زنی کارش را از دست نداد، و هیچ کارخانه‌ای هم به خارج از کشور منتقل نشد.

**(برگرفته از نشریه انگلیسی مورنینگ استار، به نقل از جزوه "تاریخ ما: بیداری زنان"، از انتشارات حزب کمونیست بریتانیا)**



## چپ اروپا نیرومندتر می‌شود



European LEFT

کشور امیدوارکننده و برای اروپا مثبت است.» حزب کمونیست یونان که هنوز از همکاری با سیریزا سرباز می‌زند نیز ۶ درصد آراء را از آن خود کرد. سیریزا، پس از کسب این آراء، بلافاصله درخواست انتخابات زودهنگام را کرد که از سوی آتن رد شد. اما ائتلاف حاکم ممکن است دیگر نتواند برای مدتی طولانی پابرجا بماند. حزب دمکراسی نوین و پاسوک از زمان بازگشت به دمکراسی در سال ۱۳۵۳ تا پیش از بحران ریاضت، پایه‌پای هم بر یونان حکومت کردند و در مجموع ۸۰ درصد آراء را دریافت می‌کردند، اما اکنون در مجموع تنها ۳۰ درصد آراء را توانسته‌اند به خود اختصاص دهند.

در اسپانیا با بیش از شش میلیون بیکار و ۱۳۰ میلیارد یورو بدهکاری بانکی بابت کمک مالی دولت، رأی چپ غیر سوسیالیست به ۱۸ درصد افزایش یافت. چپ متحد که از سوی کمونیست‌ها پشتیبانی می‌شود ۹۰۰ هزار رأی به آراء خود اضافه کرد و مجموع آراء خود را به ۱/۵ میلیون یا ۱۰ درصد آراء افزایش داد که از سال ۱۳۷۵ بهترین پیامد انتخاباتی برای نخستین بار از دهه ۱۳۱۰ بالاترین آراء جمهوری خواه در استان کاتالونیا برای نخستین بار از دهه ۱۳۱۰ بالاترین آراء این ناحیه ثروتمند شمال شرقی را نیز به دست آورد. اما شگفت‌انگیزترین پیروزی نصیب حزب ایندیگنادوس شده است که سه ماه پیش از درون جنبش اشغال پوده‌موس برآمد و تأسیس شد. این حزب توانست با بودجه‌ای اندک اما کارزاری پرسرودا با رهبری پاپولو ایگلسیاس، استاد ۳۵ ساله علوم سیاسی و مجری تلویزیون، ۸ درصد آراء را از آن خود سازد و به پیروزی‌ای چشمگیر دست یابد. هر دو حزب «چپ متحد» و «پوده‌موس» در لغو بدهی‌های عمده، توقف بیرون راندن مردم از خانه‌هایشان، ملی کردن بانک‌های پرداخت یارانه و پایان دادن به خصوصی‌سازی‌ها با هم دمساز بوده‌اند، بنابراین قابل فهم بود که پس از انتخابات، «چپ متحد» در پی ائتلاف با «پوده‌موس» برآید. اما ممکن است که این حرکت با مقاومت برخی از هواداران جنبش اشغال اسپانیا روبه‌رو شود که نسبت به همکاری ائتلاف چپ با سوسیالیست‌های بی‌اعتبار شده در ناحیه آندالوسیا بدگمان‌اند.

در اروپا، رهبران و هواداران «پوده‌موس» می‌گویند که همکاری با «سیریزا»، برنده انتخابات یونان، را خواستارند. برخی بر این باورند که این حزب همسان با جنبش «پنج ستاره» ایتالیا با موضع‌گیری‌ای که بیشتر ضد نظام و کمتر سیاسی باشد به فعالیت خواهد پرداخت. این انتخابات برای حزب سوسیالیست که رأی آن از ۳۹ درصد در پنج سال پیش به ۲۳ درصد کاهش یافت شکست بزرگی محسوب می‌شود. آلفردو پرز روبالکابا، رهبر این حزب، پس از اعتراف به اینکه نتوانسته به حملات «حزب مردمی» که دولت به رهبری ماریانو را در دست دارد پاسخی شایسته بدهد، از مقام خود استعفا کرد. استعفای روبالکابا، به بحران درون فراکسیونی در حزب منجر گردید که به نظر می‌رسد سوسیالیست‌های در اسپانیا که جشن برای اجرای شدن برنامه ریاضت‌کشی را آغاز کرد و پس‌از آن و با شتاب از سوی «حزب مردمی راجوی» دنبال گردید، اکنون برای بقای خود تلاش می‌ورزد. ایتالیایی‌ها بارای دادن به دمکرات‌ها که «میان-چپ» خوانده می‌شوند، مسیری متفاوت با جنوب اروپا انتخاب کردند، اما در قیاس با حزب‌های مشابه خود با هیجان و شورمندی بیشتری در پی اصلاحات نئولیبرالی‌اند. آن‌ها ۴۰ درصد آراء را کسب کردند که چنین موفقیتی از سال‌های ۱۳۲۰ جز برای دمکرات مسیحی‌ها برای هیچ حزب دیگری پیش نیامده بود. در واقع، اینکه حزب «میان-چپ» نتیجه «سازش تاریخی» بین وارثان

به گفته «تام گیل» این تنها راست افراطی نبود که در انتخابات اروپا بارآیش سیاست‌های اتحادیه اروپا را رد کرد، بلکه چپ رادیکال و حزب‌های جدید مخالف سیاست‌های ریاضت‌کشی نیز با چنین موضع‌گیری‌هایی در این انتخابات شرکت کردند.

در پرتغال، رأی داده‌شده به چپ رادیکال به ۱۷ درصد رسید و ائتلاف کمونیست‌ها و سبزها با ۱۲ و ۶۸ صدم درصد آراء، سومین نیروی سیاسی با سه کرسی پارلمانی گردید. برای حزب کمونیست پرتغال، که پس از حزب کمونیست یونان از منتقدترین حزب‌های چپ رادیکال در اتحادیه اروپا است، این بهترین نتیجه در طول ۲۵ سال گذشته می‌تواند باشد. «جرونیو دوسا»، دبیر کل حزب کمونیست پرتغال، شکست دولت را «انتقاد صریح مردم پرتغال از آن» خواند. «بلوک چپ» - گروهی که در قیاس با کمونیست‌ها موضعی ملایم‌تر در انتقاد به سیاست‌های اتحادیه اروپا دارد - ریزش رأی‌هایش از ۱۰ و ۷دهم درصد به ۴ و ۷دهم درصد را در این انتخابات شاهد بود. حزب سوسیالیست باوجود آنکه یکی از امضاکندگان پیمان سه‌جانبه در سال ۱۳۹۰ بود - که یکی از ناپسندترین برنامه‌های «ثبات اقتصادی» در اروپا بود که به پرتغال تحمیل شد - و به‌تازگی نیز موضع‌گیری‌اش را بر ضد ریاضت‌کشی شدت بخشیده است، برنده انتخابات اخیر شد. حزب سوسیالیست ۳۱ و ۵دهم درصد آراء را از آن خود کرد. این در برابر ۲۷ و ۷دهم درصد آراء است که ائتلاف دست راستی حزب سوسیالیست دمکرات و حزب CDS به دست آوردند.

این دو حزب دست راستی، به خاطر سیاست‌های متعصبانه قلع‌وقمع اقتصادی در پیش گرفته شده‌شان، با هم این نتیجه را به دست آوردند. از نتیجه‌های توجه برانگیز، نیز برآمدن جنبشی به نام «حزب زمین» در عرصه محیط‌زیست و بوم‌شناسی با خاستگاهی راست‌گرا است که در کارزار انتخاباتی‌اش تغییر و انجام اصلاحاتی در پیمان لیسبون، مصوبه سال ۱۳۸۶، را خواستار بود. این پیمان، خودکفایی ملی را به‌ویژه در زمینه تعیین بودجه محدود کرده است. «حزب زمین» با شعار خودکفایی گسترده بر مواد غذایی در مبارزه انتخاباتی وارد شد. این حزب بر بستر سیاست‌های حفاظت از محیط‌زیست و موضع‌گیری انتقادآمیز اما با ملایمت، از اتحادیه اروپا، به‌طور غیرمنتظره توانست ۷/۱ درصد آراء را کسب کند.

پیروزی سوسیالیست‌ها بسیار ضعیف بود و این نزاعی را میان رهبران حزب باعث شده است، از جمله آنتونیو کوستا (شهردار پر قدرت لیسبون، پایتخت پرتغال) آمادگی‌اش را برای به چالش کشیدن آنتونیو خوزه سگورو، رهبر حزب سوسیالیست، اعلام کرده است.

مهم‌ترین پیامد مثبت در این انتخابات در پایتخت ریاضت و رکود اتحادیه اروپا یعنی یونان به دست آمد. حزب سیریزا (Syriza) به رهبری «آلکس تسپیراس»، نامزد ریاست اتحادیه اروپا، بیشترین آراء را دریافت داشت. سیریزا ۲۶ و ۵دهم درصد آراء را به دست آورد، و در برابر آن، حزب محافظه‌کار حاکم «دمکراسی نوین» ۲۲ و ۷دهم درصد آراء و حزب متحدش «پاسوک» رأی مصیبت‌بار ۸ درصدی را به دست آوردند. نتیجه بالاتر برای سیریزا اوایل ماه در انتخابات شوراهای شهرها به دست آمد که توانست کنترل «آتیکی»، بزرگ‌ترین ناحیه کشور را به دست آورد. پاناگیوتیس لافازانیس، یکی از نمایندگان سیریزا در مجلس، به خبرگزاری بلومبرگ گفت: «در تاریخ سیاسی یونان این نخستین بار است که یک حزب چپ رادیکال در انتخاباتی برای برآی بسیار بالا به پیروزی می‌رسد. نتیجه انتخابات یونان برای



## ماجراجویی های نظامی و ضد انسانی دولت اسرائیل و خطر آن برای کل منطقه



جهان با نگرانی سیاست ها و عملکرد جنایت کارانه دولت اسرائیل در غزه را که اکنون نزدیک به سه هفته است ادامه یافته و می تواند به بحران همه جانبه و خطرناکی در همه منطقه دامن بزند، دنبال می کند. اظهار نظرهای سخنگویان دولت اسرائیلی به وضوح نشان می دهد که هدف اصلی این دولت از ماجراجویی جدید ممانعت از حل معضل فلسطین از طریق صلح آمیز و تخریب روند

شکل گیری دولت اتحاد ملی فلسطین است. اسرائیل می داند که در صورت ادامه درگیری ها و اوج گیری اقدام های نظامی این کشور، نیروهای جنگ طلب و ماجراجو می توانند موانع بزرگی بر سر راه برخی موافقت نامه های منطقه ای و از جمله روند مذاکرات کنونی بین ایران و ایالات متحده ایجاد کنند. اظهارات برخی شخصیت های سیاسی کشور و از جمله «ولی فقیه» رژیم، در روز های اخیر، و ابراز این نظر که: «تنها راه علاج نابودی و از بین رفتن اسرائیل است» سخنان غیر مسئولانه ای است که بی شک به نفع سیاست دولت اسرائیل و در توجیه اقدام های سرکوبگرانه این کشور در رابطه با خلق فلسطین و ادامه جو تشنج و درگیری در منطقه عمل می کند. به باور حزب توده ایران و همه نیروهای صلح طلب و ترقی خواه در ایران و جهان سیاست درست، تشدید فشار بین المللی، تحریم گسترده جهانی بر ضد دولت اسرائیل و محدود کردن توان جنگ افروزان حاکم در تل آویو است.

### انزوای بی سابقه اسرائیل:

با ادامه و گسترش حمله نظامی ارتش اسرائیل به نوار غزه و افزایش شمار کشته و زخمی شدگان ماجراجویی جدید دولت دست راستی حاکم در تل آویو، موج اعتراض ها در فلسطین و در جهان بر ضد این اقدام های غیر انسانی شدت گرفته است. نماینده «حزب مردم فلسطین» در گفتگویی با نمایندگان حزب ما اخیراً اطلاع داد که نیروهای مردمی فلسطین تصمیم هماهنگ گرفته اند تا مردم و زحمتکشانشان را برای شرکت موج سوم «انتفاضه»، که تا اعاده حق مردم فلسطین ادامه خواهد داشت، بسیج کنند. آن ها متفق القول اعلام کردند که مبارزه با اشغال گران اسرائیلی را تا تعهد اسرائیل به اتخاذ مواضع سازنده در مذاکرات صلح ادامه خواهند داد. محمود عباس، رئیس دولت خودگردان فلسطین وضعیت در غزه را «غیرقابل تحمل» و حملات اسرائیل را «جنایت علیه بشریت» خوانده است. در روزهای اخیر در اقدام های اعتراضی گسترده ای میلیون ها نفر از نیروهای صلح طلب و ترقی خواهان جهان در کشورهای مختلف به خیابان ها آمدند و با سر دادن شعارهای همبستگی یا مردم فلسطین انزجار خود را از ادامه سیاست های دولت اسرائیل و سکوت آمریکا و دولت های اروپایی اعلام کردند. خیابان های پایتخت های کشورهای اصلی و عمده سرمایه داری صحنه تجلی بزرگترین تظاهرات همبستگی با مردم فلسطین شده است. میلیون ها نفر در پایتخت ها و شهرهای بزرگ کشورهای امپریالیستی و از جمله لندن، پاریس، رم، تورنتو با شعارهای «حمله نظامی به غزه و کشتار مردم فلسطین را متوقف کنید»، «این یک جنگ نیست بلکه کشتار است» خواهان توقف ماشین جنگ دولت اسرائیل شدند. اعضا و هواداران حزب توده ایران در بیشتر این کشورها در صفوف مشترکی همراه با صلح طلبان از سایر جریان های سیاسی به وظیفه انترناسیونالیستی خود در حمایت از خلق فلسطین عمل کردند.

خانم ناوی پیلا، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، هفته پیش اخطار کرد که حملات هوایی اسرائیل و بمباران هدف قرار دادن خانه ها و بیمارستان مدارس، مساجد که در جریان آن ده ها نفر غیرنظامی فلسطینی کشته شده اند، می تواند به عنوان جنایات جنگی مورد بررسی قرار گیرد. او اظهار داشت که شورای حقوق بشر سازمان ملل هر کدام از این اقدام های غیرقانونی را مورد بررسی قرار خواهد داد. منابع مطلع سازمان ملل اعلام کرده اند که تعداد کشته شدگان نزدیک به ۱۰۰۰ نفر است که ۷۵ درصد آن ها غیرنظامیان فلسطینی می باشند که زنان و کودکان بیشترین گروه را تشکیل می دهند. کمیساریای عالی سازمان ملل اضافه کرد که کشتار غیرنظامیان در غزه به خصوص کودکان، نگرانی های جدی درباره بی توجهی اسرائیل به قوانین بین المللی و موافقت نامه های جهانی در رابطه با عدم هدف قرار دادن غیرنظامیان را ایجاد کرده است.

سازمان ملل، نهادهای انسان دوست و نیروهای ترقی خواه و صلح دوست جهان نباید و نمی توانند چشم خود را بر این فاجعه انسانی و این جنایات به بندند. باید دولت اسرائیل را به قبول آتش بس و ادا کرد. جنبش صلح جهانی در این رابطه مسئولیت های مهمی را به گردن خلق ها گذاشته است. ما در مقابل تاریخ متعهدیم.

### ادامه چپ اروپا نیرومندتر ...

حزب دست راستی رهبر فقید دمکرات مسیحی - (جیولیو آندره ئوتی) - و جنبش بزرگ دیگر ایتالیا - یعنی کمونیست های پیرو تولیاتی و برلینگوتر - هستند، نباید ما را متعجب سازد. ناظران می گویند که رای دهندگان دمکرات با تمایلی که به رهبری تازه پیدا کرده اند، پس از به بازی گرفتن «جنبش پنج ستاره ای بیه گریلو» که نتوانست جایگاه اول خود را حفظ کند، دوباره به جای گذشته خود برگشته اند. «به پنه گریلو» اگر چه رهبری دهان دریده و ریشو - آن گونه که خطاب می شود - است، اما نمی توان از یک پنجم آرای او و کار پایه اش بر ضد فساد و نظام موجود، و انتقادش به اتحادیه اروپا و فراقانونش برای خروج ایتالیا از عضویت در آن، چشم پوشی کرد و او را کنار گذاشت. بدون تردید جایگاه «ماتسو رنزی»

به عنوان رهبری تازه نفس و بیرون از دایره حزبی و فعالیت های پیش از انتخاباتش برای کاهش مالیات برای قشرهای کم درآمد در موفقیت او اثرگذار بوده اند. اما بیشترین عده نمایندگان در مجلس اروپا بدیلی برای قدرت در رم نمی تواند باشد. و در پایتخت ایتالیا سیلیویو برلسکونی، که به خاطر جرم فساد مالیاتی محکومیت گرفته است، با وجود این، هنوز فعال است. با تسلط و نفوذش بر رسانه ها و حمله های مداوم به سروری آلمان و صدراعظم آن آنگلا مرکل بر ایتالیا، توانسته است با کسب ۱۷ درصد آرا به رده سوم نتیجه انتخابات برسد. بنابراین نمی توان از ضرورت همکاری و ائتلاف با پشتیبانان سیاسی او اجتناب ورزید. آنچه قطعی است، رأی به «رنزی»، نه به معنای تأیید «اصلاحات» نتولیبرال، آن گونه که بی بی سی می خواهد، بلکه رأی به دگرگونی است. نرخ بیکاری در ایتالیا به رقم بی سابقه ۱۳ درصد رسیده و به بیماری همه گیری در میان جوانان - همچنان که در یونان و اسپانیا - درآمده است.

در ۱۷ کشور دیگر دستمزدها به شدت کاهش یافته اند، شکاف و نابرابری ثروت در جامعه رو به افزایش است، خدمات بنیادی همگانی تکه تکه شده و یا به طور کامل در کنار دیگر منابع ملی به بخش خصوصی واگذار می شوند، و بدهی کشور هنوز بزرگ و یا بزرگ تر از همیشه است. سؤال این است که، چقدر طول خواهد کشید تا ایتالیایی ها مانند دیگر هم تاییان اروپایی شان دریابند که به دگرگونی های مورد نیازشان دست نخواهند یافت و اینکه آنان به بازی گرفته می شوند.

#



تأسیسات در قرن گذشته، در جلوگیری از افزایش قیمت ها برای مصرف کنندگانی که خود سهام دار این «تعاونی» ها بوده اند، نقش مهمی داشته اند.

حکومت کویت با اجرای پروژه «ساخت- بهره برداری- واگذاری» ۲، زمین هایی را که در مالکیت دولت بودند به بخش خصوصی، سرمایه داران بزرگ و شرکت ها واگذار کرد. پیامد اجرای این پروژه، ضررهای جبران ناپذیر برای خانواده های کم جمعیت و خصوصاً انانی بوده است که از سال ها پیش در نوبت واگذاری مسکن دولتی بوده اند. بیش از ۱۱۰ هزار خانوار برای دسترسی به مسکن با استفاده از امکان های دولتی در انتظار نوبت اند. افزایش بیکاری در کویت در بین فارغ التحصیلان دانشگاهی به حدی است که فرصت های شغلی موجود برای فارغ التحصیلان از دانشگاه های معروف، تنها در بخش «حراست» (امنیت) بوده است و این وضع نه تنها فارغ التحصیلان دوره کارشناسی، بلکه دارندگان مدرک های بالاتر را نیز دربر می گیرد.

صرف نظر از رانت خوری، رشوه، افزایش فساد در سیستم حکومتی و بازماندن آن از پروژه های توسعه در سال های گذشته و ناتوانی در اجرای بسیاری از پروژه ها - حتی پس از گذشت مدت ها از زمان پیش بینی شده، به جرئت می توان گفت که دستگاه اداری برای ارائه هرگونه خدماتی به شهروندان ناتوان و ناکارآمدند. بخش درمانی و بهداشتی فاقد هرگونه امکانات بیمارستانی است. بیماران برای معالجه در بیمارستان ها، برای به دست آوردن نوبت های حتی بیش از یک سال، در صف های طولانی انتظار می کشند. بخش آموزش به عقب ماندگی روش ها و درهم ریختگی دوره های مختلف آموزشی مبتلاست. تنها دانشگاه دولتی (دانشگاه کویت) ظرفیت پذیرش فارغ التحصیلان دبیرستان ها را ندارد.

حکومت با اعتصاب های مستمر و مکرر کارگران روبه رو است. اعتصاب کارکنان سازمان تأمین اجتماعی ششمین هفته اش را پشت سر گذاشت بی آنکه متولیان امور به خواست آنان (که همان افزایش دستمزد باشد) کمترین توجهی بکنند. از این قبیل اعتصاب ها در بخش های دیگر از جمله نفت نیز برپا می شوند.

دستگاه قضایی، مردم را از هرگونه پیگیری در خصوص رسوایی های افشاشده در نوارهای صوتی و تصویری نام برده در بالا بر حذر می دارد و شهروندان را به تعقیب قضایی و مجازات سنگین تهدید کرده است. در این چارچوب، روزنامه های «الوطن» و «عالم الیوم» (به مدت دو هفته تعطیل شدند و برنامه های [سایت های] خبرسانی شان ممنوع اعلام گردید.

اسامی توطئه گران [متصدیان رسوایی های مالی] در شبکه های اجتماعی مرتباً منتشر می شوند و بخش هایی از نوارهای افشاگر و سندهای مرتبط با حساب های بانکی توطئه گران در رسانه ها در اختیار مخاطبان قرار می گیرد. این امر بر ترس و نگرانی حکومتی ها افزوده است و تمامی نقشه های آنان را برای دور نگه داشتن آذهان عمومی از عمق رسوایی ها برهم زده است. این امر همچنین باعث گردیده است تا اعضای خانواده حاکم [یر کویت] چندین بار به ریاست «امیر» تشکیل جلسه دهند. جاسم الخرافی [رئیس سابق مجلس و مالک شرکت مواد غذایی «آمریکانا»، از طریق شبکه توییتر، ضد افشاگران رسوایی مالی اعلام جرم کرده است. دستگاه قضایی، شیخ احمد الفهد را احضار و از او در خصوص صحت نوارها سؤال کرد.

جابر المبارک، نخست وزیر، درواکنش به کارزار افشاگری، نواری ساختگی، به منظور اثبات غیرواقعی بودن نوارهای افشاگرانه، به جلسه غیرعلنی مجلس ارائه کرد. مرزوق الغانم، رئیس

## گزارش سیاسی «جنبش پیشروی کویت»، در رابطه با اوج گیری جنبش مردمی و بالا گرفتن موج سرکوب در کویت کویت آبستن حوادث است!

جنبش مردمی در کویت مجدداً و با قدرت به راه افتاده است. در سال های اخیر تظاهرات مسالمت آمیز مردم با سرکوب پلیسی و بازداشت صدها فعال سیاسی و جوانان دختر و پسر معترض همراه بوده است. حکومت کویت با بازداشت های طولانی مدت، اتهام های واهی و محاکمه های پایان ناپذیر این فعالان، گمان می کرد به اعتراض ها و جنبش توده ای پایان داده است.

انتشار چندین نوار صوتی و تصویری افشاگرانه که در کشور سوئیس ضبط شده اند، در ماه های اخیر، از غارت ثروت ملی و پول شویی ای به ارزش میلیاردها دلار از سوی شرکت مواد غذایی «آمریکانا» حکایت دارند. شیخ ناصر محمد الصباح (نخست وزیر سابق) و جاسم الخرافی (رئیس سابق مجلس و مالک شرکت مواد غذایی «آمریکانا» مجریان این توطئه اند. شرکت زنجیره ای «آمریکانا»، شرکت های «هاردیز»، «کنتاکی فراید چیکن»، «پیتزا هات»، «کاستا کافی»، «تاکو بیل»، «کرسپی کریم»، «باسکن روبنز»، «مرغ تکا» و چندین شرکت مواد غذایی بین المللی در دیگر کشورهای عربی را نمایندگی می کند. افشاگرانی نشان می دهند که شعبه شرکت «آمریکانا» در پادشاهی سعودی این رسوایی مالی را به بار آورده است. همکاری با دشمن صهیونیستی، پشتیبانی از کمین انتخاباتی «شارون» و حزب «لیکود» در اسرائیل، رسوایی های روابط جنسی وزیر دارایی سابق (مصطفی الشمالي) با یکی از مدیران (زن) بانکی که میلیاردها دلار غارت شده در آن سپرده شده اند و تجارت مخفیانه سلاح، بخش دیگری از این افشاگرانی ها را دربر می گیرد.

سند و مدرک های منتشر شده، از حواله های سنگین مالی به نام رئیس و اعضای دادگاه قانون اساسی و شورای عالی قضایی پرده برمی دارند. مسلم البراک، نماینده سابق مجلس، در دهم ماه ژوئن گذشته، در میدان «الاراده»، ضمن ارائه سند و مدرک های متعدد، از همدمستی و آلودگی مدیر دفتر شیخ زاده احمد الفهد و چند تن دیگر از مسئولان عالی رتبه اداری کشور در این رسوایی، پرده برداشت. او همچنین از فساد دستگاه قضایی در حمایت از فرمان معروف به «رأی یگانه» سخن گفت. توده های مردم در اعتراض به فرمان «رأی یگانه»، دو بار انتخابات [مجلس] را تحریم کردند.

مجلسی که با استفاده از قانون «رأی یگانه» انتخاب گردید، در عمل، راه را بر ایجاد هرگونه فراکسیون مخالفی بست. قانون «رأی یگانه» به انتخاب کنندگان حق انتخاب یک نفر از میان چهار کاندیدا را می دهد. تصویب و اجرای این قانون بر تجزیه و تفرقه بین گروه های مختلف اجتماعی (مذهبی - قبیله ای - فرقه ای) در کویت افزود. بر رغم انتخاب و تشکیل این مجلس [پارلمان] صوری و بازیچه دست حکومت، این مجلس در درساها و مشکل هایی برای دستگاه حاکم در جهت پیاده کردن سیاست ها و برنامه هایش، به وجود آورد. استعفای پنج نماینده مجلس و دو وزیر کابینه را می توان بزرگترین استعفای دسته جمعی پس از انتخابات فرمایشی در دهه ۶۰ دانست. این استعفا، بحران دستگاه حاکم را شدت بخشید و بر نگرانی های آن از بالا گرفتن ناراضی های مردم افزود.

حکومت کویت به سوی اجرای سیاست هایی پیش می رود که به طور مستقیم به وخامت وضعیت گذران زندگی روزمره مردم منجر می شوند. خصوصی سازی بخش هایی از آموزش و بهداشت عمومی و حذف تأمین اجتماعی از جمله این سیاست ها هستند.

تلاش در جهت خصوصی سازی «تعاونی» ها، که تشکل هایی با مالکیت جمعی اند، نیز در برنامه حکومت است. «تعاونی» ها از زمان

## ادامه کویت آستان حوادث ...

کنونی مجلس کویت، در کنفرانسی مطبوعاتی، به کسانی که او آنان را نقاب پوشانی که در صدد از بین بردن آبروی جاسم الخرافی (دایی رئیس کنونی مجلس) برآمده‌اند نام داد، به شدت حمله کرد. او همچنین ناصر المحمد - یعنی کسی که برای هموار کردن توطئه برضد افشاگران فساد مالی کنونی، نامزد ریاست مجلس شده بود و بدین منظور سه میلیون دینار کویتی به رهبر ائتلاف ملی و سردبیر نشریه الجریده، یعنی خالد الهلل، برای قانع کردن محمد الصغر (رقیب ناصر المحمد) به انصراف از تلاش برای کسب مقام ریاست مجلس پرداخت کرده بود - را محکوم کرد.

برخی از رهبران لیبرال‌ها که خود را «ملی» می‌نامند هم در این رسوایی دست داشته‌اند. دستگاه حکومتی، با واگذاری کرسی‌هایی در مجلس و کابینه، به آنان پاداش اعطا کرد. اینان اخیراً اعلام کردند که در جنبش مردمی و تظاهرات شرکت نخواهند کرد. بنا به اطلاعات منتشر شده، چندین نفر از بین گروه مخالف از ناصر المحمد و یا از «قطر» رشوه‌های کلان گرفته‌اند و در این رسوایی دست دارند. شیخ احمد الفهد، با ارائه حکم قضایی از دادگاه عالی بریتانیا - که به تأیید وزارت امور خارجه بریتانیا رسیده است - و صحت نوارها و مکالمات را با تدقیق کارگاه جنایی بین‌المللی و پلیس سویس به اثبات می‌رساند، توطئه‌گران را دچار شوک کرد. او گزارش و گفت‌وگوهای انجام‌یافته بین الخرافی و المحمد را در خصوص غارت و سرقت میلیاردها دلار و یورو و پاوند استرلینگ همراه با مصاحبه‌های آنان با رسانه‌ها و مذاکرات با بانک‌ها به زبان‌های فرانسه، عربی و فارسی منتشر کرد. این اقدام، ضربه‌ای جبران‌ناشدنی به گروه توطئه‌گران وارد آورد.

پس از سخنرانی مسلم البراک در میدان «الاراده» که با ارائه تصاویر و اسناد و مدارک جابه‌جایی حواله‌ها و متهم کردن رئیس دادگاه قانون اساسی و شورای قضایی همراه بود، رئیس دادگاه قانون اساسی ادعای نام‌های علیه البراک زیر عنوان دشنام و توهین صادر کرد. در این ادعای نام‌ها به اسناد و مدارک ارائه‌شده از جانب البراک هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است. دادستان عمومی کویت - که از دشمنان شناخته‌شده البراک است - پیش از طرح ادعای نام‌ها رئیس دادگاه قانون اساسی، در اقدامی قضایی، تمامی اسناد ارائه‌شده از جانب البراک را جعلی اعلام داشت و در نتیجه، البراک را برای رسیدگی و انجام تحقیقات به مدت ده روز بازداشت کرد. البراک در اتاقی بدون دستگاه خنک‌کننده و در هوای گرم در بازداشت به سر برد. این امر اختلال در فشار و قند خون البراک را سبب گردید و به‌ناچار او را به بیمارستان منتقل کردند.

امیر کویت، ۲۲ روز پیش از موعد پیام سالانه‌اش (در ده روز آخر ماه رمضان)، ناگهان در روز چهارشنبه، ۴ تیرماه، (۲۵ ژوئن)، در پیامی خطاب به مردم کویت، گفت: «در روزهای اخیر ادعاها و شایعاتی در خصوص برخی وقایع را دنبال کردم. در صورتی که این ادعاها صحت داشته باشند، نشان از جرائم سنگینی دارد که شهروندان را از درگیر شدن با آن‌ها بر حذر می‌دارم. سیستم قضایی ما از پرهیزگاری کامل برخوردار است.» امیر کویت در ادامه پیامش، قانون را مافوق «آزادی»‌ها دانست. او آزادی همراه با هرج و مرج را غیرقابل قبول اعلام کرد. در پی بازداشت «البراک»، تظاهرات و اعتراض‌هایی در منطقه‌های مختلف کویت همراه با خواست اصلاحات سیاسی و دموکراتیک و افشای فساد و فاسدان و محاکمه آنان و بازگرداندن اموال ملی غارت‌شده، برگزار شد. تظاهرکنندگان، با مسالمت، خواستار آزادی «مسلم البراک» بودند. حکومت با شدت هرچه تمام‌تر به سرکوب تظاهرات پرداخت و ده‌ها نفر را بازداشت کرد و چندین نفر را با گاز اشک‌آور و گلوله‌های لاستیکی زخمی کرد.

نیروهای سیاسی، از جمله «جنبش ترقی‌خواهان کویت» و دیگر نیروهای مبارزه مدنی و جوانان، با تشکیل ستادی میدانی، برآنند که از هرگونه حرکت خودبه‌خودی و واکنشی خودداری ورزند. این نیروها مردم را از توطئه‌های خاص شیوخ بر حذر داشتند و اجتناب از دنباله‌روی از ماجراجویان و تحریک‌کنندگان و هرج و مرج طلبان

موردحمایت حکومت خواهان گردیدند.

عده‌ای از بازداشت‌شدگان در روز اول بازداشت و روز بعداز آن آزاد شدند. مسلم البراک نیز از جمله آزادشدگان بود. ۴۰ نفر از بازداشت‌شدگان در زندان عمومی و ساختمان بازپرسی جنایی به سر می‌برند. از نکته‌های توجه برانگیز غیاب گروه «اخوان المسلمین» و سلفی‌ها در جریان این اعتراض‌ها بود. عده‌ای از رهبران این دو گروه حضوری صوری و رسانه‌ای یافتند و سپس صحنه حرکت اعتراضی را ترک کردند. درحالی‌که فرزندان مبارز کویت، خصوصاً فعالان چپ، در تظاهرات و اعتراض‌ها حضوری چشمگیر و فداکارانه داشتند، رهبران «اخوان المسلمین» برای عرض تبریک حلول ماه رمضان در سرای نخست‌وزیر سابق - که او نیز متهم به فساد مالی است - حضور یافته بودند، حرکتی که موجب ناراضی توده‌ها گردید. جنبش ترقی خواهی با صداقت و آرمان‌خواهی ویژه‌اش و همچنین تحمل بیشترین هزینه (بازداشتی‌ها و آسیب‌دیدگان متعدد) توانست اعتماد توده‌ها را جلب کند و پایگاه مردمی‌اش را گسترش دهد.

آشکار است که راه‌حل‌های امنیتی و سرکوبگرانه، در شرایط اوج‌گیری خیزش مردمی، کمکی به حل بحران حکومت نخواهد کرد. خشم توده‌ها به حدی رسیده است که چاره کار را در راه حل سیاسی باید جست، یعنی راه‌حلی که حکومت را به رها کردن شیوه‌های «حکومت خانوادگی» و تصمیم‌گیری‌های «فردی» وادار کند. رویکرد نظام پارلمانی کامل و قانون‌گذاری برای فعالیت‌های حزبی و انتخابات بر اساس نسبییت، ضامن حکومتی است که اعتماد مردم را جلب کند. روزهای آینده آستان حوادث بسیاری است. آیا آزادی بازداشت‌شدگان رویدادهای اخیر خواهد توانست مقداری از تنش‌های موجود را کاهش دهد؟ یا آنکه این وضعیت تنش‌آلود ادامه خواهد یافت؟ به نظر می‌آید که جنبش کنونی تا تحقق اصلاحات سیاسی و دموکراتیک ادامه خواهد یافت. لغو قانون مناطق انتخاباتی، قانون‌گذاری در زمینه تأسیس حزب‌ها بر مبنای منافع ملی، تصویب قانون انتخابات بر اساس نسبییت، مبارزه با فساد، محاکمه و مجازات فاسدان و بازگرداندن اموال غارت‌شده، از اقدام‌های عاجلی است که باید صورت گیرد. جنبش توده‌ای در راهی بدون بازگشت گام گذاشته است. فضای باز نسبی و عقب‌نشینی‌های جزئی دستگاه حاکم، در شرایطی که این دستگاه عمیق‌ترین بحران دوران خود را تجربه می‌کند، کارساز نخواهند بود. سیستم حاکم باید بداند که توده‌ها برای حمایت از البراک به‌پا نخواستند. آنچه سبب عقب‌نشینی حکومت گردیده است، بخشی از اثرهای جنبش مسالمت‌آمیز و شجاعانه مردمی است که با پایداری‌شان، روند عقب‌نشینی حکومت ادامه خواهد یافت.

۱. فرمانی از سوی صباح الاحمد الصباح، امیر کویت، که به تصویب دادگاه قانون اساسی کویت رسید. بنابراین فرمان، هر رأی‌دهنده در انتخابات پارلمانی به جای رأی دادن به چهار نامزد فقط می‌تواند به یک نامزد رأی بدهد.

۲. «ساخت - بهره برداری - واگذاری» یا BOT (Build-Operate-Transfer). یکی از روش‌ها به هدف مشارکت بخش خصوصی در توسعه پروژه‌های زیربنایی.

## ادامه بیانیه مشترک احزاب کارگری ...

۶۱- حزب کمونیست ونزوئلا

حزب‌های دیگر (که در جمع شناخته شده و رسمی خانواده حزب‌های برادر قرار ندارند):

- ۱- حزب کار اتریش
- ۲- حزب کارگران کمونیست بلاروس
- ۳- اتحادیه کمونیست‌های بلغارستان
- ۴- قطب احیای کمونیستی در فرانسه
- ۵- اتحادیه انقلابی کمونیست‌ها در فرانسه
- ۶- حزب کمونیست مقدونیه
- ۷- حزب کمونیست ایتالیا
- ۸- اتحاد خلق گالیسیا، اسپانیا
- ۹- حزب کمونیست در سوئد
- ۱۰- حزب کمونیست‌های آمریکا



## بیانیه مشترک حزب‌های کمونیست و کارگری جهان:

## کشتار جمعی به بهای زندگی ملت فلسطین باید بی‌درنگ متوقف شود!

ما حزب‌های کمونیست و کارگری امضاکننده این بیانیه یورش وحشیانه و جنایتکارانه دولت اسرائیل به مردم فلسطین را محکوم می‌کنیم. ما همبستگی کامل خود را با مردم فلسطین اعلام می‌کنیم و کارگران سراسر جهان را فرامی‌خوانیم که نیروی خود را بسیج کنند تا موج محکومیت اسرائیل را تقویت کنند و همبستگی خود با مردم فلسطین را در عمل نشان دهند. آمریکا نیز که از اسرائیل در تداوم سرکوب و کشتار جمعی مردم فلسطین به هر نحو پشتیبانی می‌کند، مسئولیت عظیمی در این رخدادهای خونین به گردن دارد. اتحادیه اروپا نیز مسئول است، زیرا خط‌مشی حفظ «فاصله یکسان» (میان قربانی و ستمگر را دنبال می‌کند، و هم‌زمان در سطح نظامی و اقتصادی-سیاسی با اسرائیل همکاری می‌کند. حزب‌های کمونیست و کارگری امضاکننده این بیانیه خواستار آنند که:



- ◆ جنایت علیه ملت فلسطین محکوم شود؛
- ◆ حمله‌های هوایی مستمر به مردم فلسطین فوراً متوقف شود، و از حمله زمینی جلوگیری شود؛
- ◆ نیروهای ارتش اشغالگر اسرائیل عقب‌نشینی کنند؛
- ◆ همه زندانیان سیاسی از زندان‌های اسرائیل فوراً آزاد شوند؛
- ◆ «دیوار جداساز» تحمل‌ناپذیر [در خاک فلسطین] خراب شود، و به هرگونه محاصره فلسطینی‌ها در اورشلیم، کرانه غربی و نوار غزه پایان داده شود؛
- ◆ شهرک‌سازی فوراً متوقف شود، و همه ساکنان شهرک‌هایی که در ورای مرزهای سال ۱۹۶۷ ایجاد شده است، این شهرک‌ها را تخلیه کنند؛
- ◆ همه پناهندگان فلسطینی بر پایه قطعنامه سازمان ملل متحد حق بازگشت به خانه و کاشانه خود را داشته باشند؛
- ◆ همه مانورهای نظامی و همه توافق‌نامه‌های همکاری نظامی با اسرائیل لغو شود؛
- ◆ یک دولت فلسطینی در درون مرزهای ۱۹۶۷ به پایتختی اورشلیم شرقی برقرار شود.

۱. حزب کمونیست آلبانی
۲. حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر
۳. حزب کمونیست استرالیا
۴. تربیون ترقی‌خواه دموکراتیک بحرین
۵. حزب کمونیست بنگلادش
۶. حزب کارگران بنگلادش
۷. حزب کارگران بلژیک
۸. حزب کمونیست برزیل
۹. حزب کمونیست برزیل (PCdoB)
۱۰. حزب کمونیست بریتانیا
۱۱. حزب کمونیست نوین بریتانیا
۱۲. حزب کمونیست‌های بلغارستان
۱۳. حزب کمونیست کانادا
۱۴. حزب کمونیست شیلی
۱۵. حزب کارگران سوسیالیست کرواسی
۱۶. حزب مترقی زحمتکشان قبرس (اکل)
۱۷. حزب کمونیست بوهیم و موراوی

۱۸. حزب کمونیست در دانمارک
۱۹. حزب کمونیست دانمارک
۲۰. نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا-ارتش خلق (FARC)، حزب کمونیست مخفی کلمبیا
۲۱. حزب کمونیست فنلاند
۲۲. حزب کمونیست متحد گرجستان
۲۳. حزب کمونیست آلمان
۲۴. حزب کمونیست یونان
۲۵. حزب کارگران مجارستان
۲۶. حزب کمونیست هندوستان
۲۷. حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)
۲۸. حزب توده ایران
۲۹. حزب کمونیست ایرلند
۳۰. حزب کارگران ایرلند
۳۱. حزب کمونیست‌های ایتالیا
۳۲. حزب کمونیست اردن
۳۳. حزب کمونیست لوکزامبورگ
۳۴. حزب کمونیست مالت
۳۵. حزب کمونیست مکزیک
۳۶. حزب سوسیالیست مردمی مکزیک-مجمع ملی سیاسی
۳۷. حزب کمونیست نوین هلند
۳۸. حزب کمونیست نروژ
۳۹. حزب کمونیست پاکستان
۴۰. حزب کمونیست فلسطین
۴۱. حزب مردم فلسطین
۴۲. حزب کمونیست پرو
۴۳. حزب کمونیست فیلیپین (۱۹۳۰)
۴۴. حزب کمونیست لهستان
۴۵. حزب کمونیست پرتغال
۴۶. حزب کمونیست رومانی
۴۷. حزب کمونیست فدراسیون روسیه
۴۸. حزب کارگران کمونیست روسیه
۴۹. حزب کمونیست نوین یوگسلاوی، صربستان
۵۰. حزب کمونیست‌های صربستان
۵۱. حزب کمونیست اسلواکی
۵۲. حزب کمونیست آفریقای جنوبی
۵۳. حزب کمونیست اسپانیا
۵۴. حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا
۵۵. حزب کمونیست‌های کاتالونیا، اسپانیا
۵۶. حزب کمونیست سودان
۵۷. حزب کمونیست سوئد
۵۸. حزب کمونیست سوریه
۵۹. اتحادیه کمونیست‌های اوکراین
۶۰. حزب کمونیست آمریکا

## ادامه در صفحه ۱۵

## کمک‌های مالی رسیده

یکی از هواداران حزب از نیوجرسی ۱۰۰ دلار

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"  
E-Mail: dabirxhaneh\_hti@yahoo.de

۹۵۲ Nameh Mardom No.  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

28 July 2014

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
۲۳۶۲۹۷۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.  
بانک: Berliner Sparkasse  
کد بانک: 100 500 00  
شماره حساب: 790020580  
IBAN: DE35 1005 0000  
0790 0205 80  
BIC: BELADEBEXXX